



امریکا ۶۵۰ سرباز را پس از تکمیل روند خروج در افغانستان نگه می‌دارد

اطلاعات روز: خبرگزاری اسوشیتدپرس به نقل از مقام‌های امریکایی گزارش کرده است که خروج بیشتر نظامیان امریکایی از افغانستان تا...

صفحه ۲

خطر بالقوه‌ی ملیشه‌سازی



صفحه ۳

تشدید جنگ و چشم‌انداز مبهم مذاکرات صلح

صفحه ۴

نفرت‌پراکنی آزادی بیان نیست؛ به بیان‌های نفرت‌انگیز پایان دهید (۲) بررسی یافته‌های یک پژوهش

صفحه ۷

یادداشت روز

آزادی بیان و فعالیت رسانه‌های آزاد سلب‌ناپذیر است

به تازگی، وزارت اطلاعات و فرهنگ طرح «ایجاد اتاق ملی نظارت از رسانه‌ها» را به کابینه‌ی حکومت فرستاده است. مسئولین این وزارت گفته‌اند هدف از ایجاد این اتاق، «اصلاح اندیشه‌ی نشراتی» است. معین نشراتی این وزارت در یک کنفرانس خبری، علاوه بر اعلام ارسال طرح ایجاد این اتاق به کابینه از ضرورت درک «آزادی‌های مثبت و منفی» توسط جامعه‌ی رسانه‌ای، جلوگیری از «تاهنجاری‌های رسانه‌ای» توسط طرز‌العمل جدید، طرز تأسیس رسانه‌های همگانی که پیش‌نویس آن به رایزنی گذاشته شده و ارسال طرح تجدید ساختار اجرایی کمیسیون رسیدگی به تخطی‌های رسانه‌ای به کابینه نیز خبر داد.

با وصف آن‌که وزارت اطلاعات و فرهنگ با تأکید ویژه اعلام کرده هدف از ایجاد اتاق ملی نظارت از رسانه‌ها، سانسورگری و محدود کردن روشن‌گری و دسترسی به اطلاعات نیست اما با توجه به کارنامه‌ی حکومت افغانستان در زمینه‌ی تعهد به حق دسترسی به اطلاعات...

۲

نیروهای امنیتی و دفاعی شش ولسوالی را در یک شبانه‌روز از طالبان پس گرفتند

وزارت دفاع کشور اعلام کرده است که در ادامه‌ی عملیات بازپس‌گیری ولسوالی‌های از دست‌رفته، از بعد از ظهر روز پنج‌شنبه تاکنون شش ولسوالی در ولایت‌های پکتیا، فاریاب و بغلان از طالبان پس گرفته شده است.



صفحه ۲

تحلیل ۴

عقب‌نشینی تاکتیکی کرزی؛ چگونه نطفه‌ی شورای عالی دولت عقیم شد؟

توافقنامه‌ی سیاسی تشکیل حکومت جدید را به امضا رساندند. توافقنامه‌ی که تقسیم مساویانه‌ی کرسی‌های کابینه میان دو طرف، تشکیل شورای عالی مصالحه‌ی ملی به‌منظور رهبری روند صلح و برخی ادوات اصلاحی دیگر را تنظیم می‌کرد...

پس از ماه‌ها کشمکش انتخاباتی، تحلیف‌های موازی در ارگ و سپیدار و آرایش‌های سیاسی و امنیتی پیدا و پنهان برای شکل‌گیری یک روبرویی سیاسی بحران‌آفرین سرانجام در ۲۸ جوزای ۱۳۹۹، اشرف غنی احمدزی و عبدالله عبدالله، دو نامزد پیش‌تاز انتخابات ریاست‌جمهوری،

ترجمه ۵



سه سناریوی محتمل برای ریاست‌جمهوری رئیسی

در میانه‌ی حدس‌وگمان‌های قوی مبنی بر نزدیک شدن ایران به توافق مجدد با قدرت‌های جهانی در خصوص برنامه هسته‌ای تهران، این کشور ابراهیم رئیسی را به‌عنوان رییس‌جمهور جدید خود انتخاب کرد. در صورت تجدید توافق، رییس‌جمهوری جدید...

تجزیه

«۱۳۰ جنگ‌جوی پیوسته به روند صلح در هرات» چه کسانی هستند؟

ریاست امنیت ملی هرات اعلام کرده است که یک گروه ۱۳۰ نفری طالبان وابسته به شاخه‌ی ملا هیبت‌الله اخندزاده، رهبر گروه طالبان، روز پنج‌شنبه ۳ سرطان به روند صلح پیوسته‌اند. اما براساس مصاحبه‌هایی که اطلاعات روز با این افراد داشته، در میان آن‌ها، جنگ‌جویان وابسته به شاخه‌ی انشعابی طالبان به رهبری ملا رسول و همچنین بی‌جاشدگان داخلی حضور داشته‌اند. شاخه‌ی طالبان به رهبری ملاهیبت‌الله نیز در صحبت با روزنامه اطلاعات روز، پیوستن جنگ‌جویان این گروه به روند صلح در هرات را رد می‌کند.

عبدالصبور قانع، والی هرات روز پنج‌شنبه، ۳ سرطان در مقر ریاست امنیت ملی هرات گفت که ۱۳۰ عضو گروه طالبان در این ولایت به روند صلح...

۳

July 1, 2021

New Online Classes

Join our thriving online community

WhatsApp: +93747994244 Mobile: 0773022561, 0747994244, 0794357509, 0783489891

خانه موفقیت
The TOEFL HOUSE
Unlock the World with TOEFL

TOEFL House

ادامه‌یادداشت‌روز

نیروهای امنیتی و دفاعی شش ولسوالی را در یک شبانه‌روز از طالبان پس گرفتند

جنگ‌جویان گروه طالبان ادامه دارد و تا کنون مقدار زیادی سلاح و مهمات و همچنین وسایط نقلیه‌ی طالبان به‌دست آمده است. براساس معلومات وزارت دفاع ملی، شمار ولسوالی‌هایی که تا کنون از طالبان پس گرفته شده، به ۱۱ ولسوالی رسیده است. طالبان ادعا کرده‌اند که حدود ۷۰ ولسوالی را در دو ماه گذشته تصرف کرده‌اند.

پکتیا می‌گوید که ولسوالی احمدآباد از وقت در کنترل دولت بود. با این حال، وزارت دفاع گفته است که در جریان عملیات نیروهای امنیتی و دفاعی در ولسوالی‌های یادشده، ده‌ها جنگ‌جوی گروه طالبان کشته، زخمی و بازداشت شده‌اند. این وزارت در عین حال گفته است که پیش‌روی نیروهای امنیتی و دفاعی برای پاکسازی کامل این ولسوالی‌ها از وجود

خارج و در اختیار دولت قرار گرفته است. هرچند وزارت دفاع گفته است که در ولایت پکتیا ولسوالی‌های سیدکرم و احمدآباد از طالبان پس گرفته شده‌اند، اما جلال‌الدین یفتلی، فرمانده قول اردوی ۲۰۳ تندر به روزنامه اطلاعات روز گفته است که ولسوالی احمدآباد نه، بلکه ولسوالی میرزکه از طالبان پس گرفته شده است. خبرنگار محلی روزنامه اطلاعات روز در

اطلاعات روز: وزارت دفاع کشور اعلام کرده است که در ادامه‌ی عملیات بازپس‌گیری ولسوالی‌های از دست‌رفته، از بعد از ظهر روز پنج‌شنبه تاکنون شش ولسوالی در ولایت‌های پکتیا، فاریاب و بغلان از طالبان پس گرفته شده است. ولسوالی‌های سیدکرم و میرزکه در ولایت پکتیا، اندخوی و خان‌چارباغ در ولایت فاریاب و دوشی و خنجان در ولایت بغلان از در شبانه‌روز گذشته از کنترل طالبان

ارائه‌ی اطلاعات به رسانه‌های آزاد و چگونگی برخورد با رسانه‌های آزاد، به‌نظر می‌رسد نمی‌توان احتمال بالای تلاش برای محدودکردن آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات و فعالیت رسانه‌های آزاد از طریق ایجاد این اتاق را از نظر دور داشت. حکومت افغانستان همواره در تعهدش به حق دسترسی به اطلاعات و ارائه‌ی اطلاعات به رسانه‌های آزاد مورد اتهام و نقد بوده است. با وصف آن که قانون دسترسی به اطلاعات، مسئولیت‌های حکومت در گردش آزادانه‌ی اطلاعات، دسترسی به اطلاعات و ارائه‌ی مسئولانه‌ی اطلاعات به رسانه‌های آزاد را به روشنی تعریف کرده است اما در عمل، عملکرد حکومت در خصوص تعهد به این مسئولیت‌ها همواره با کاستی، مسئولیت‌ناپذیری و حتا تلاش برای سانسور، اعمال فشار و محدود کردن حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات همراه بوده است.

به‌خاصه در این اواخر، با شدت‌گرفتن جنگ و تحولات جدید در فضای سیاسی و امنیتی کشور، حکومت افغانستان بیش از گذشته، رویکرد تقابل با رسانه‌های آزاد، حق دسترسی به اطلاعات و فعالیت رسانه‌های آزاد را در پیش گرفته است. در هفته‌های اخیر، موجی از اتهام‌زنی‌ها به رسانه‌های آزاد و تلاش برای اعمال فشار بر این نهادها به‌دلیل اطلاع‌رسانی در مورد رخدادهای امنیتی توسط مسئولین مطبوعاتی حکومت آغاز شده است. در راستای همین رویکرد، حکومت به تازگی وکلای شورای ولایتی را از حق شهروندی و سیاسی‌شان مبنی بر تماس آزادانه با رسانه‌های آزاد و پاسخ‌گویی مسئولانه و قانونی به تماس‌های رسانه‌ها برای ارائه‌ی اطلاعات منع کرده است.

براساس قانون اساسی و سایر قوانین نافذه‌ی کشور و مفاد کنوانسیون‌ها و تعهدنامه‌های بین‌المللی، که حق آزادی بیان و فعالیت رسانه‌های آزاد را به رسمیت شناخته و از هر نوع تعرض، اعمال محدودیت و سلب‌پذیری مصون تعریف کرده است، حق آزادی بیان و فعالیت رسانه‌های آزاد باید از هر نوع تعرض، اعمال محدودیت و فشار مصون بوده و سلب‌ناپذیر است.

نظارت از فعالیت رسانه‌ها، رسیدگی به تخطی‌های رسانه‌ای و بهبود طرز‌العمل‌های حق تأسیس و فعالیت رسانه‌های آزاد باید مبتنی بر قانون، احترام به حاکمیت قانون و مهم‌تر از آن، اصل سلب‌ناپذیری حق آزادی بیان و فعالیت آزادانه‌ی رسانه‌های آزاد صورت بگیرد. حکومت افغانستان نباید فراموش کند که این حق براساس همه‌ی قوانین نافذه و تعهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی که دولت افغانستان با پیوستن به آن‌ها ملزم به رعایت مفاد این کنوانسیون‌ها و تعهدنامه‌ها است، سلب نمی‌شود. در زمانه‌ای که ارزش‌ها و مؤلفه‌های نظام جمهوری توسط مقامات و مسئولین دولتی یکی پی دیگر به‌صورت گسترده نقض شده و با آن‌ها بی‌مسئولیتی و رویکردهای غیراصولی و غیرقانونی برخورد می‌شود، هر نوع تلاش برای اعمال سانسور، محدودیت، فشار و نظارت غیراصولی و غیرقانونی بر رسانه‌های آزاد و آزادی بیان، دسته‌کردن تبر بر حیات یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جمهوری است. چنین اقدامی می‌تواند مشروعیت و هویت نظام را به شکل ویرانگری تخریب کند.

مذاکره‌کنندگان طالبان برای ۹۰ روز دیگر از تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل معاف شدند

«استثنای موقت برای صلح» خوانده و در عین حال ابراز امیدواری کرده است که از این فرصت برای پیشرفت چشمگیر در گفت‌وگوهای صلح افغانستان استفاده شود. این درحالی است که شام روز سه‌شنبه دیورا لاینز، نماینده ویژه سازمان ملل برای افغانستان در مورد این کشور در شورای امنیت این سازمان گزارش داد. به دنبال آن، اعضای شورای امنیت سازمان ملل اعلام کردند که از روند صلح افغانستان حمایت می‌کنند و طرفدار برگشت نظام طالبانی نیستند.

اطلاعات روز: دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد اعلام کرده است که شورای امنیت این سازمان، مذاکره‌کنندگان گروه طالبان در دوحه را برای ۹۰ روز دیگر از تحریم معاف کرده است. شورای امنیت سازمان ملل این تصمیم را برای حمایت از تلاش‌های صلح افغانستان گرفته است. یوناما معافیت سه ماهه مذاکره‌کنندگان طالبان از تحریم‌های سازمان ملل را یک

امریکا ۶۵۰ سرباز را پس از تکمیل روند خروج در افغانستان نگه می‌دارد

غنی و عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه‌ی ملی، در بیانیه‌ای ابراز امیدواری کرده است که جو بایدن خروج نیروهای امریکایی از افغانستان را به تأخیر بیندازد. این دیدار دو روز قبل در نخستین روز سفر رئیس‌جمهور غنی و هیأت همراهش به امریکا، انجام شده است. میچ مک‌نیل گفته است که طالبان با خروج نیروهای امریکایی جسورتر شده‌اند و درحالی که پیشرفت‌ها و دستاوردها به‌ویژه در عرصه‌ی حقوق زنان در افغانستان را عقب می‌زنند، برای تصرف کابل نیز تلاش می‌کنند.



بخشی از توافق واشنگتن و انقره باشد. این درحالی است که سناتور میچ مک‌نیل، رهبر اقلیت جمهوری‌خواهان سنای امریکا پس از دیدار با رئیس‌جمهور اشرف

کرزی، باقی بمانند. به‌گفته‌ی مقام‌های امریکایی که در این گزارش نامی از آنان گرفته نشده است، امریکا و ترکیه توافق کرده‌اند که سامانه ضد موشک و راکت (C-RAM) را در میدان هوایی کابل نصب و شماری از نیروها را برای راه‌اندازی این سیستم در این میدان جابه‌جا کنند. طبق اظهارات این مقام‌ها، توافق امریکا و ترکیه در این خصوص قرار است در هفته‌ی پیش‌رو در انقره نهایی شود. اختصاص چند هواپیما برای پشتیبانی از میدان هوایی کابل نیز به نظر می‌رسد

اطلاعات روز: خبرگزاری اسوشیتدپرس به نقل از مقام‌های امریکایی گزارش کرده است که خروج بیشتر نظامیان امریکایی از افغانستان تا دو هفته‌ی دیگر تکمیل می‌شود و در حدود ۶۵۰ سرباز برای تأمین امنیت سفارت و دیپلمات‌های امریکایی در افغانستان باقی خواهند ماند. در این گزارش اسوشیتدپرس که صبح دیروز (جمعه، ۴ سرطان) منتشر شده، همچنین آمده است که چند صد نیروی دیگر امریکایی ممکن است تا ماه سپتامبر به‌منظور کمک به نیروهای ترکیه برای محافظت از میدان هوایی بین‌المللی حامد

امریکا سه میلیون دوز واکسین کرونا به افغانستان کمک می‌کند

واکسین جانسون و جانسون یکی از واکسین‌های معتبر در جهان است. از این واکسین برای هر نفر تنها یک دوز تزریق می‌شود. براساس معلومات وزارت صحت عامه‌ی افغانستان، این کشور به ۴۲ میلیون دوز واکسین کرونا نیاز دارد. همچنین، افغانستان تا کنون ۳۲۰ میلیون دالر را برای خرید واکسین اختصاص داده است. این درحالی است که وزارت صحت عامه‌ی افغانستان تاکنون سه محموله واکسین کرونا را از هند، برنامه‌ی کوآکس و چین دریافت کرده است. هند ۵۰۰ هزار دوز واکسین، کوآکس ۴۶۸ هزار دوز واکسین و چین نیز ۷۰۰ هزار دوز واکسین کرونا را به افغانستان منتقل کرده‌اند.

اطلاعات روز: کاخ سفید اعلام کرده است که نوع جدید ویروس کرونا (دلتا) در افغانستان در حال گسترش است و امریکا سه میلیون دوز واکسین کرونا از نوع جانسون و جانسون را در اختیار مردم افغانستان قرار می‌دهد. کرین ژان پیر، معاون سخن‌گوی کاخ سفید این موضوع را دو روز قبل (پنج‌شنبه، ۳ سرطان) یک روز پیش از دیدار جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا با رئیس‌جمهور اشرف غنی و هیأت همراهش در واشنگتن، در صحبت با خبرنگاران مطرح کرده است. او همچنین گفته است که این مقدار واکسین در جریان هفته‌ی آینده به افغانستان منتقل می‌شود. در کنار واکسین، امریکا آکسیجن و دیگر تجهیزات طبی را نیز برای افغانستان فراهم خواهد کرد.

نیروهای ناتو مسئولیت برج مراقبتی میدان هوایی بلخ را به اداره هوانوردی ملکی واگذار کردند

میدان هوایی کابل نیز به نظر می‌رسد بخشی از توافق واشنگتن و انقره باشد. به همین منظور، مقام‌های امریکایی به اسوشیتدپرس گفته‌اند که چندصد تن از نیروهای امریکایی تا زمانی که نیروهای ترکی به‌صورت کامل بتوانند مسئولیت تأمین امنیت میدان هوایی کابل را بر عهده بگیرند، تا ماه سپتامبر در افغانستان باقی می‌مانند.

روند خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان قرار بود تا ۱۱ سپتامبر کامل شود، اما مقام‌های امریکایی به اسوشیتدپرس گفته‌اند که حدود ۶۵۰ سرباز حتا پس از خروج کامل، در افغانستان باقی می‌مانند تا امنیت سفارت و دیپلمات‌های امریکایی را تأمین کنند. گروه طالبان قبلاً به ماندن نیروهای خارجی در افغانستان تحت هر نامی واکنش نشان داده و گفته بودند که براساس توافق‌نامه‌ی دوحه، باید تمامی نیروهای خارجی خاک افغانستان را ترک کنند.



است که امریکا و ترکیه توافق کرده‌اند که سامانه ضد موشک و راکت (C-RAM) را در میدان هوایی کابل نصب و شماری از نیروها را برای راه‌اندازی این سیستم در این میدان جابه‌جا کنند. طبق اظهارات این مقام‌ها، توافق امریکا و ترکیه در این خصوص قرار است در هفته‌ی پیش‌رو در انقره نهایی شود. اختصاص چند هواپیما برای پشتیبانی از

تمامی میدان‌های هوایی کشور اعلام آمادگی کرده بود. در مورد میدان هوایی کابل اما بحث‌ها جریان دارد. گفته می‌شود که امریکا و ترکیه بر سر این که نیروهای ترکی امنیت میدان هوایی کابل را تأمین کنند، به توافق رسیده‌اند. به تازگی خبرگزاری اسوشیتدپرس به نقل از مقام‌های امریکایی گزارش کرده

اطلاعات روز: اداره هوانوردی ملکی افغانستان اعلام کرده است که مسئولیت کنترل تاور (برج مراقبتی) هواپیماها و ایستگاه هواشناسی میدان هوایی بین‌المللی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در ولایت بلخ دیروز (جمعه، ۴ سرطان) رسماً از نیروهای ناتو به این اداره واگذار شده است.

در اواخر ماه ثور سال جاری خورشیدی میدان هوایی قندهار از سوی نیروهای امریکایی به مقام‌های دولت افغانستان واگذار شده بود. سفارت امریکا این خبر را در ۲۴ ثور سال جاری اعلام کرده بود. قبل از آن، اداره هوانوردی ملکی از ناتو خواسته بود که مسئولیت میدان هوایی قندهار را به این اداره واگذار کند. با این حال، این دومین میدان هوایی است که به‌صورت رسمی مسئولیت آن از نیروهای ناتو به دولت افغانستان واگذار می‌شود. قبلاً اداره هوانوردی ملکی افغانستان برای به عهده گرفتن مسئولیت

«۱۳۰۰ جنگ جوی پیوسته به روند صلح در هرات» چه کسانی هستند؟

■ واجد روحانی

ریاست امنیت ملی هرات اعلام کرده است که یک گروه ۱۳۰ نفری طالبان وابسته به شاخه‌ی ملا هیبت‌الله آخندزاده، رهبر گروه طالبان، روز پنج‌شنبه ۳ سرطان به روند صلح پیوسته‌اند. اما براساس مصاحبه‌هایی که اطلاعات روز با این افراد داشته، در میان آن‌ها، جنگ‌جویان وابسته به شاخه‌ی انشعابی طالبان به رهبری ملا رسول و همچنین بی‌جاشدگان داخلی حضور داشته‌اند. شاخه‌ی طالبان به رهبری ملا هیبت‌الله نیز در صحبت با روزنامه‌ی اطلاعات روز، پیوستن جنگ‌جویان این گروه به روند صلح در هرات را رد می‌کند. عبدالصبور قانع، والی هرات روز پنج‌شنبه، ۳ سرطان در مقر ریاست امنیت ملی هرات گفت که ۱۳۰ عضو گروه طالبان در این ولایت به روند صلح پیوسته و تعهد سپرده‌اند که در راستای تأمین امنیت با حکومت همکاری خواهند کرد. او افزود که این افراد به رهبری مولوی حاجی مردان نورزایی با حکومت یک‌جا شده‌اند تا در مناطق ناامن در کنار نیروهای دولتی با طالبان بجنگند.

والی هرات پیوستن این افراد به حکومت را یک تصمیم «شجاعانه» توصیف کرده و می‌گوید آن‌ها می‌توانند برای طالبان الگویی باشند تا دست از جنگ و خشونت بردارند: «تشکر می‌کنم از قومندان صاحب مردان که تصمیم دلیرانه گرفته است. آنان درک کردند که جنگ طالب دیگر مشروعیت ندارد و به جز ویرانی و کشتار مردم دیگر هیچ منفعتی ندارد.»

والی هرات از توظیف این افراد مسلح در مناطق آسیب‌پذیر امنیتی خبر می‌دهد، تا در کنار نیروهای امنیتی در مقابل طالبان بجنگند: «این افراد از زیرکوه ولسوالی شیندند به این‌جا آمدند و مورد حمایت دولت هستند. امتیاز و تجهیزات برای‌شان می‌دهیم. آن‌ها مثل یک سرباز به خاطر تأمین امنیت گماشته می‌شوند و از حمایت ما مثل سربازان قهرمان ما برخوردار هستند.»

خیال‌نبی احمدزی، فرمانده قول اردوی ۲۰۷ ظفر، پیوستن ۱۳۰ تن از افراد مسلح را به حکومت، در شرایط کنونی که دامنه‌ی جنگ افزایش یافته، یک «دست‌آورد بزرگ» می‌داند.

او با اشاره به پایان روند خروج نیروهای



ETILAATROZ

او می‌گوید که نه از حکومت و نه هم از طالبان هیچ منفعتی تا حالا ندیده است: «من در بخش مهاجرین کارت رسمی دارم. امنیت ملی، قومندانی و خود ولایت هم مطلع هستند، ما عضویت طالبان را نداریم.»

به‌نظر نمی‌رسد که عوض‌خان کاکر، که خودش آوازه‌ی جنگ در هرات است، دست به ماشه ببرد و با امکانات امنیت ملی هرات در مقابل طالبان بجنگد.

بارها از بی‌جاشدگان داخلی در تجمعات مختلف و اعتراضی در هرات بهره‌گیری شده است و هراتیان شکایت داشتند که در بسیاری از اعتراض‌ها، به‌جای ساکنان بومی، از بی‌جاشدگان داخلی استفاده می‌شود.

«طالب نه، اربکی بودند»

ذبیح‌الله مجاهد، یکی از سخن‌گویان گروه طالبان به روزنامه‌ی اطلاعات روز می‌گوید افرادی که با حکومت افغانستان در هرات یک‌جا شده‌اند، بیش‌تر از ده سال می‌شود که جزء اربکی‌ها هستند و هیچ ارتباطی با تحریک طالبان ندارند.

قاری یوسف احمدی، سخن‌گوی دیگر گروه طالبان به اطلاعات روز می‌گوید: «این‌ها اربکی‌های سابقه و گروه‌های اختطاف‌گر اداره‌ی کابل بودند و هستند و به امارت اسلامی کدام تعلق ندارند. این افراد ملا امیر هستند که خانه‌اش فعلاً در هرات است.»

حملات طالبان در ولایت‌های غربی، به‌شمول هرات، افزایش یافته است. طی هفته‌ی جاری، ولسوالی‌های پشتون‌زرغون، گلران، فرسی، کشک‌کهنه، چشت و چندین ولسوالی دیگر گواه حملات طالبان بوده و همچنین ولسوالی اوبه نیز به‌دست طالبان سقوط کرده است. هم‌زمان، جنگ تبلیغاتی گروه طالبان نیز به گونه‌ی منظم در هرات انجام می‌شود. در بسیاری مواقع اعضای گروه طالبان دست‌آوردهای‌شان را از طریق شبکه‌های اجتماعی در سریع‌ترین زمان ممکن به نشر رسانده‌اند.

از سویی هم، اداره محلی هرات طی روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه، با هم‌رسانی کردن مطالب مرتبط با بسیج شدن صدها تن در ولسوالی گذره و خبر تسلیم شدن ۱۳۰ جنگ‌جوی طالب می‌خواهد که با ماشین تبلیغاتی طالبان مقابله کند.

معاون سیاسی خود گماشت و تا قبل از مرگ، سازماندهی شاخه‌ی انشعابی گروه طالبان و همچنین جنگ تبلیغاتی این گروه به دوش نیازی بود.

طالب یا بی‌جاشده؟

ظاهراً در مقر ریاست امنیت ملی هرات برای افراد مسلح و بی‌جاشدگان داخلی تذکر داده شده بود که افراد مشخصی از آنان با رسانه‌ها مصاحبه کنند. بسیاری از افرادی که به‌نام جنگ‌جویان طالبان جهت یک‌جاشدن با حکومت آمده بودند، از مصاحبه کردن با خبرنگاران دوری می‌کردند.

بی‌جاشدگان داخلی در صف‌های اخیر در مقر ریاست امنیت ملی نشسته بودند و برخی از آنان با دستمال و لنگی صورت‌شان را پوشانده بودند. وقتی از آن‌ها مصاحبه خواستیم عوض‌خان کاکر را برای مصاحبه با ما معرفی کردند.

عوض‌خان کاکر، خودش را نماینده‌ی عمومی بی‌جاشدگان بادغیس مقیم هرات معرفی می‌کند. او به روزنامه‌ی اطلاعات روز می‌گوید که خانه و کاشانه‌اش را به‌دلیل جنگ‌های فزاینده در بادغیس ترک کرده و حالا آوازه‌ی هرات است. او مدعی است که در جنگ میان نیروهای دولتی و طالبان در زادگاهش، دختر ۱۷ ساله‌اش را از دست داده و هیچ دل‌خوشی هم از حکومت و هم از طالبان ندارد.

غیرنظامیان و تأسیسات دولتی از سوی تحریک طالبان، از بدنه‌ی این گروه جدا و به عضویت شاخه‌ی انشعابی ملا رسول درآمده است.

او می‌گوید که با ملا عبدالمنان نیازی، معاون پیشین شاخه‌ی انشعابی ارتباط نزدیک داشته و بسیاری وقت‌ها با وی در یک اتاق زندگی کرده است.

او آمده‌ی همکاری با حکومت و نیروهای امنیتی در مصاف با گروه طالبان است: «من برادرکشی نمی‌کنم و پل و پلچک را خراب نمی‌کنم. فعالیت گروه ۲۰ نفری من در ولایت‌های هرات و فراه بود. من در کنار نیروهای امنیتی تا آخرین قطره خون در مقابل طالبان می‌جنگم.»

او به گروه طالبان نیز توصیه می‌کند که به کشتارهای‌شان در افغانستان نقطه پایان بگذارند و در کنار حکومت برای تأمین منافع ملی تلاش کنند.

پس از اعلام مرگ ملا محمد عمر، بنیان‌گذار و رهبر تحریک طالبان و گماشته‌شدن ملا اخترمحمد منصور، انشعاب در گروه طالبان به‌دلیل اختلافات بر سر جانشینی ملا عمر ایجاد شد.

گروه انشعابی طالبان در سال ۱۳۹۴ به رهبری ملامحمد رسول در منطقه‌ی «زیرکوه» ولسوالی شیندند هرات اعلام موجودیت کرد. ملا رسول، ملا عبدالمنان نیازی را به‌عنوان

خارجی از افغانستان تا ۱۱ سپتامبر سال جاری گفته است که هیچ بهانه‌ای برای طالبان تحت نام جهاد با «کفار» وجود ندارد: «در این اواخر طالبان و دیگر اجنبی‌ها علیه نیروهای مسلح در برخی از ولسوالی‌ها حملاتی راه‌اندازی کرده‌اند. آنان می‌خواهند که آخرین زورشان را با حکومت بزنند و به دنیا نشان دهند که چگونه مسجدها را ویران می‌کنند، متنفذان، زنان، علما و کودکان را به قتل می‌رسانند.»

در این میان، مردان نورزایی، یکی از فرماندهان طالبان در صحبت با روزنامه‌ی اطلاعات روز می‌گوید که با آغاز خروج نیروهای خارجی از افغانستان، جنگ طالبان مشروعیت ندارد و تداوم جنگ «برادرکشی» است.

او از اعضای دیگر گروه طالبان نیز می‌خواهد که بیش‌تر از این به جنگ ادامه ندهند؛ چرا که قربانی این جنگ افغان‌ها هستند: «دیگر اعضای طالبان هم به‌مانند ما باید در کنار نیروهای امنیتی قرار بگیرند و بیش‌تر از این به جنگ ادامه ندهند.»

جنگ‌جویان شاخه انشعابی

عبدالرازق دگری، یکی از فرماندهان شاخه‌ی انشعابی ملا رسول است. او در مقر ریاست امنیت ملی هرات در صحبت با روزنامه‌ی اطلاعات روز مدعی شد که پس از کشتار

خطر بالقوه‌ی ملیشه‌سازی

■ محمد موسی شفق

سقوط پی‌هم ولسوالی‌ها به دست طالبان، علاوه بر آن که زنگ خطر تسلط طالبان در بخش‌هایی وسیع از کشور را به صدا درآورد، یک واقعیت دیگر را نیز برملا ساخت و آن خیزش مسلحانه‌ی مردم در برابر طالبان بود. حکومت تا پیش از آن، در بعضی جاها با برخورد گزینشی، مانع ظهور چنین گروه‌هایی می‌گردید اما پیشروی طالبان باعث گردید تا همین فرصت برخورد گزینشی نیز از دست حکومت برود. وگرنه بدون تردید، حکومت با تمام گروه‌های مسلح در نقاط مختلف کشور، روی خوش نشان نمی‌داد.

این‌بار حمایت مردم از نیروهای مسلح در مقابله با طالبان، متفاوت از گذشته بود. گویا پس از دو دهه، یک فرصت استثنایی به دست ملیشه‌ها و قومندانان جهادی آمد تا آنان، دوباره اظهار وجود کنند. این گروه‌های مسلح در نقاط مختلف کشور، بخش بزرگ‌شان، همان بازماندگان احزاب جهادی هستند. فوریت خطر طالبان و آناش‌ی حاکم بر مدیریت جنگ در درون حکومت، باعث گردیده تا مردم کم‌تر به خطرهای بالقوه‌ی روند ملیشه‌سازی جنگ، فکر کنند. بیم تسلط طالبان باعث گردید تا هیچ کسی در مقابل این گروه‌های مسلح، صدای مخالفت بلند نکند. البته اگر از واقعیت نگذریم، در بسیاری مناطق، همین گروه‌های مسلح، نقش کلیدی را در عقب‌راندن طالبان بازی نمودند.

فرض را بر این می‌گیریم که پس از یک مدتی، تنور جنگ با طالبان سردتر خواهد شد و حملات تهاجمی



طالبان فروکش خواهد کرد؛ آن زمان، همین گروه‌های مسلحی که اکنون فرشته‌های نجات مردم قلمداد می‌شوند و از طرف سخن‌گویان حکومت به‌عنوان قیام‌های مردمی و بسیج مردمی لقب داده می‌شوند در بسیاری موارد، برای مردم و حاکمیت قانون، درد سرساز خواهد شد. این گروه‌های مسلح، قدرت‌های مترکم و افسارگسیخته در ولسوالی‌ها، ولایات و حتا کلان‌شهرها می‌باشند. به محض آن‌که خطر طالب رفع گردد، مخاطب بعدی این گروه‌ها، مردم و حاکمیت قانون خواهد بود. این گروه‌ها با استفاده از مرزبندی‌های قومی، سمتی و فساد حاکم در درون حکومت، هرکدام‌شان به گونه‌های مختلف، در

تلاش باج‌گیری خواهد برآمد. موجودیت این گروه‌ها، بدون تردید حاکمیت قانون را در ولسوالی‌ها، ولایات و حتا کلان‌شهرها با مشکل روبرو خواهد ساخت. فراموش نکنیم که همین گروه‌ها ظرفیت هرگونه تعامل را با جریان‌ها و گروه‌های مختلف دارند. از باندهای مافیایی درون‌حکومتی گرفته تا قاچاق‌چیان مواد مخدر و حتا گروه طالبان. درست است که پیش از این نیز، این افراد مسلح به گونه‌ی سازمان‌یافته و فردی در نقاط مختلف کشور وجود داشتند اما جرأت و زمینه‌ی ظهور به گونه‌ی گروهی را نداشتند.

پیشروی طالبان، بهترین توجیه برای هماهنگی این افراد پراکنده و خفته گردید و این در آینده در دسرساز

خواهد بود.

این گروه‌های مسلح، حکم تیغ دو دم را دارد؛ اگر درست مدیریت نشود، خیلی زود به روی حاکمیت قانون و حکومت‌داری کشیده خواهد شد. بنا به گزارش‌ها، هزاران نفر در نقاط مختلف کشور مسلح شده‌اند. این هزاران نفر، آتش زیر خاکستری‌اند که هر لحظه ممکن است شعله‌های مخالفت‌شان در برابر حکومت بلند شوند.

نکته‌ای که نباید نادیده گرفت این است که در بسیاری جاها، ظهور این گروه‌های مسلح، درست است که در مخالفت با طالبان می‌باشد اما خیلی روشن نیست که این مخالفت با طالبان، در درازمدت به معنای موافقت با حکومت باشد. اصلاً، پیشروی طالبان و عقب‌نشینی حکومت در ولسوالی‌ها، فرصتی کم‌نظیری شد برای این گروه‌های مسلحی که تصور نمی‌کردند دیگر فرصتی برای دوباره عرض‌وجود داشته باشند.

باید بپذیریم که این هزاران نفر مسلح، چالش بالقوه برای حاکمیت قانون خواهد بود. از طرفی، این همه سلاح از کجا شد که یک‌شبه در اختیار این گروه‌ها قرار گرفت؟ اگر پیش از این موجود بود، پس برنامه‌ی «دی‌دی‌آر» و «دایاک» در کجا تطبیق گردید؟ با توجه به واقعیت موجود، اگر حکومت در هماهنگی با رهبران جهادی و سیاسی، این گروه‌ها را درست و به موقع مدیریت نکند؛ در آینده‌ی نه‌چندان دور، ملیشه‌سازی و پانک‌بازی، مشکلی دیگری برای حکومت، برعلاوه‌ی طالبان خواهد بود.

تحلیل

خادم حسين كرىمى

پس از ماه‌ها کشمکش انتخاباتی، تحلیف‌های موازی در ارگ و سپیدار و آرایش‌های سیاسی و امنیتی پیدا و پنهان برای شکل‌گیری یک رویارویی سیاسی بحران‌آفرین سرانجام در ۲۸ جوزای ۱۳۹۹، اشرف غنی احمدزی و عبدالله عبدالله، دو نامزد پیش‌تاز انتخابات ریاست‌جمهوری، توافقنامه‌ی سیاسی تشکیل حکومت جدید را به امضا رساندند. توافقنامه‌ای که تقسیم مساویانه‌ی کرسی‌های کابینه میان دو طرف، تشکیل شورای عالی مصالحه‌ی ملی به‌منظور رهبری روند صلح و برخی ادوات اصلاحی دیگر را تنظیم می‌کرد. یکی از بندهای برجسته در این توافقنامه، تشکیل شورای عالی دولت متشکل از رهبران سیاسی بود.

در آخرین هفته‌های پیش از یک‌ساله‌شدن این توافقنامه، یک کارزار سیاسی فشرده و شلوغ برای تشکیل شورای عالی دولت به هدف ایجاد یک «اجماع سیاسی» آغاز شد. درست در روزهایی که تصور می‌شد تشکیل شورای عالی دولت هرچه زودتر به‌صورت رسمی اعلام شود، ناگهان چیدمان سیاسی که برای چینش آن رهبران سیاسی ساعت‌ها چانه‌زنی و مذاکره کرده بودند، فروریخت. مردی که خود از ابتدا، یکی از مهندسان و طراحان اصلی امضای توافقنامه‌ی سیاسی میان رییس‌جمهور غنی و عبدالله عبدالله بود، ماه‌ها پس از امضای توافقنامه، مجدداً، بیشترین نقش را در ایجاد فشار بر رییس‌جمهور غنی، شکل‌دهی کارزار سیاسی برای اصرار بر اهمیت تشکیل شورای عالی دولت و اعلام رسمی تشکیل آن بازی کرد. در آخرین روزهایی که فقط چند گام به اعلام رسمی تشکیل شورای عالی دولت باقی مانده بود، این مهندس و بازیگر چیره‌دست سیاسی، ناگهان از ماجرا عقب نشست. با عقب‌نشینی او، چیدمان بازی فرو ریخت و به نوعی می‌توان گفت نطفه‌ی شکل‌گیری شورای عالی دولت عقیم شد. این یادداشت در پی توضیح نقش حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین افغانستان در ناکام‌شدن طرح تشکیل شورای عالی دولت است.

پرده‌ی اول؛ فشار اتحادیه‌ی اروپا

با وصف امضای توافقنامه‌ی سیاسی و استقرار عبدالله عبدالله در قصر سپیدار، تشکیل رسمی شورای عالی مصالحه‌ی ملی به‌عنوان نهادی که مسئولیت تثبیت و رهبری تمام امور مربوط به روند صلح را خواهد داشت، ماه‌ها به تأخیر افتاد. ارگ ریاست‌جمهوری، هیچ تمایلی به تشکیل این نهاد و به جریان افتادن بودجه‌ی مالی آن نداشت. تلاش‌های دوگانه‌ی کرزی-سیاف به‌عنوان طراحان امضای توافقنامه و حکم‌های نظارت بر اجرایی‌شدن آن برای متقاعد کردن رییس‌جمهور غنی به عمل به مفاد توافق‌نامه نیز ره به‌جایی نبرد.

سرانجام در ۷ قوس ۱۳۹۹، اتحادیه‌ی اروپا در اعلامیه‌ای رسمی خطاب به حکومت قشر سیاسی افغانستان از آن‌ها خواست هرچه زودتر، شورای عالی مصالحه‌ی ملی فعال شود. درست یک هفته پس از فشار اتحادیه‌ی اروپا، نخستین جلسه‌ی شورای عالی مصالحه‌ی ملی به ریاست عبدالله عبدالله برگزار شد.

برگزاری نخستین جلسه‌ی رسمی شورای عالی مصالحه‌ی ملی، مهم‌ترین بند توافقنامه‌ی سیاسی رییس‌جمهور غنی و عبدالله عبدالله را اجرایی کرده و رسمیت داد. اتحادیه‌ی اروپا که پس از امضای توافقنامه‌ی صلح ایالات متحده-طالبان، مهم‌ترین حامی روایت سیاسی رییس‌جمهور غنی نسبت به روند صلح و تأکید بر حفاظت از ارزش‌ها و دستاوردهای بیست سال اخیر بود، موفق شد مقاومت سرسختانه‌ی غنی در برابر آغاز رسمی جلسات شورای عالی مصالحه‌ی ملی را بشکند. تشکیل رسمی شورای عالی مصالحه‌ی ملی و برگزاری نخستین جلسه‌ی آن اما صرفاً اولین گام برای شکل‌گیری یک چیدمان سیاسی فراتر از ساختار رسمی دولت بود. حامیان بین‌المللی و استراتژیک افغانستان و قشر سیاسی کشور با این پندار که پیشرفت در روند صلح افغانستان و دستیابی به یک توافق سیاسی، نیازمند شکل‌گیری یک انسجام سیاسی گسترده و فراتر از شعاع تیم سیاسی رییس‌جمهور غنی است، دومین گام را نیز آغاز کردند.

پرده‌ی دوم؛ التیماutom آنتونی بلینکن به غنی

در اواسط حوت ۱۳۹۹، درز یک نامه‌ی نسبتاً محرمانه به رسانه‌های افغانستان، مثل یک بمب خبری فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور را درنوردید. طلوع‌نیوز محتوای نامه‌ی ارسالی آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه‌ی اداره‌ی تازه‌تشکیل‌جو بایدن به رییس‌جمهور غنی را افشا کرد. بلینکن در این نامه، با لحنی که هم‌زمان آمیزه‌ای از توصیه، هشدار و تحکم بود، خطاب به رییس‌جمهور غنی از او خواسته بود که برای ایجاد اجماع سیاسی، جلوگیری از وخیم‌شدن وضعیت امنیتی پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان و ایجاد یک جبهه‌ی سیاسی گسترده و قدرتمند علیه طالبان، همکاری نزدیک‌اش با حامد کرزی، عبدالرسول سیاف و دیگر نخبگان سیاسی را آغاز کند.

نه‌تنها ایالات متحده که اکثر حامیان سیاسی کابل، همسایگان افغانستان، قدرت‌های منطقه و قشر سیاسی کشور بر این نکته توافق دارند که تیم سیاسی رییس‌جمهور غنی به تنهایی مشروعیت و اقتدار لازم برای پیشبرد روند صلح و مذاکره با طالبان را ندارد و به‌منظور گسترش شعاع شرکا و طرف‌های سیاسی دخیل و مؤثر در جنگ و صلح افغانستان،

قشر سیاسی متعلق به نظام قانون اساسی افغانستان باید یک اجماع سیاسی سراسر، گسترده و واقع‌بینانه را شکل دهد. اصرار بر ایجاد یک اجماع سیاسی همه‌شمول و فراگیر در افغانستان از زمانی آغاز شد که مذاکرات صلح دوحه میان ایالات متحده و طالبان رو به پیشرفت و در مسیر دستیابی به یک توافق سیاسی قرار گرفت.

تیم سیاسی رییس‌جمهور غنی اما از حداکثر امکان و توانش برای ایستادن در برابر این روایت سیاسی پرطرفدار ایستاد. پس از روی‌کارآمدن حکومت جدید در واشنگتن تصمیم این حکومت بر اجرایی کردن توافق این کشور با طالبان مبنی بر خروج نیروهای خارجی از افغانستان، فشارها بر رییس‌جمهور غنی برای تن دادن به شکل‌گیری اجماع سیاسی شدت گرفت. نامه‌ی بلینکن، مقاومت غنی در برابر کار مشترک با نخبگان سیاسی در روند صلح را شکست و رایزنی‌ها برای ایجاد شورای عالی دولت به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین مصادیق شکل‌گیری یک اجماع سیاسی فراگیر آغاز شد. چند منبع معتبر و آگاه در جناح‌های سیاسی مختلف تأیید می‌کنند که حامد کرزی، به‌عنوان سیاستمدار متحرکی که روابط نزدیکی با اکثر جناح‌های سیاسی دارد و از مهارت کم‌نظیری در پی‌بستن توافقات و ائتلاف‌ها میان جناح‌های

سیاسی برخوردار است، در متن و رأس این رایزنی‌ها قرار داشت. در واقع او نقطه‌ی وصل و نخ مشترک میان حکومت و اکثر جناح‌های سیاسی بود.

براساس مفاد توافقنامه‌ی سیاسی رییس‌جمهور غنی و عبدالله عبدالله، شورای عالی دولت باید به‌منظور «مشوره‌دهی» به رییس‌جمهور در امور حکومت‌داری و صلح تشکیل شود. با وصف آن‌که ماهیت «مشورتی‌بودن» این شورا در توافقنامه‌ی سیاسی تثبیت شده بود اما منابع ما تأیید می‌کنند که به محض آغاز رایزنی‌ها برای تشکیل این شورا، مشورتی بودن یا تصمیم‌گیرنده بودن آن، نخستین و اصلی‌ترین مورد اختلاف نظر میان ارگ ریاست‌جمهوری و جناح‌های سیاسی بود.

جناح‌های سیاسی اصرار داشتند که شورای عالی دولت باید صلاحیت تصمیم‌گیری داشته و فیصله‌های آن می‌بایست لازم‌الاجرا باشد. دو منبع معتبر و آگاه تأیید می‌کنند که یکی از موارد دیگر اختلاف میان حکومت و جناح‌های سیاسی، تعداد اعضای شورای عالی دولت بود. براساس اطلاعات رسیده به اطلاعات روز، سه دیدگاه در خصوص تعداد اعضای شورای عالی دولت وجود داشت. گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی اصرار داشته است که تعداد اعضای شورای عالی دولت باید در حد ممکن کم‌تعداد اما متشکل از برجسته‌ترین

عقب‌نشینی تاکتیکی کرزی؛

چگونه نطفه‌ی شورای عالی دولت عقیم شد؟



جناح‌ها و طرف‌های سیاسی باشد. منابع ما تأیید می‌کنند که آقای حکمتیار اصرار داشته شورایی با حداکثر ۷ تا ۸ عضو و متشکل از رییس‌جمهور غنی، حامد کرزی، خودش به‌عنوان رهبر حزب اسلامی، عبدالله، محمد محقق، کریم خلیلی، مارشال دوستم و احتمالاً یک عضو دیگر از سیاستمداران تاجیک‌تبار بازتاب‌دهنده‌ی واقعیت سیاسی افغانستان و صاحب صلاحیت و اقتدار کافی برای تشکیل شورای عالی دولت است.

براساس گفته‌های این منابع، سایر جناح‌های سیاسی مثل حامد کرزی، عبدالله عبدالله، کریم خلیلی، مارشال دوستم و تعدادی از رهبران سیاسی دیگر، معتقد بودند/هستند که واقعیت سیاسی افغانستان شعاعی بزرگ‌تر از دیدگاه مورد نظر آقای حکمتیار دارد. آن‌ها معتقد بودند/هستند که شورای عالی دولت باید با دست‌کم ۲۰ عضو و متشکل از رییس‌جمهور و معاونانش، رهبران احزاب سیاسی برجسته و تأثیرگذار، چهره‌های سیاسی شاخص و ۳ تا ۴ نماینده از زنان تشکیل شود.

براساس گفته‌های منابع ما، ارگ ریاست‌جمهوری اصرار شدیدی برای افزایش تعداد اعضای شورای عالی دولت داشته است. دست‌کم دو منبع آگاه تأیید می‌کنند که ارگ ریاست‌جمهوری با اصرار بر پرتعدادبودن

محمداکرام اندیشمند، نویسنده و پژوهشگر در گفت‌وگو با اطلاعات روز براین باور است که پروسه صلح از خیلی وقت پیش به بن‌بست رسیده بود. سقوط ولسوالی‌ها به دست گروه طالبان این بن‌بست را بیشتر برملا ساخت. «علی‌رغم آن نمی‌توان پروسه صلح را پایان یافته تلقی کرد. چون که کلید اصلی این جنگ و صلح افغانی ما در دستان خارجی‌ها است، از پاکستان تا امریکا و کشورهای منطقه. این‌ها هنوز پروسه صلح را مختومه اعلام نکرده‌اند.»

آقای اندیشمند معتقد است که پاکستان برای ابقای حکومت محمداشرف غنی و دوام کار او در رأس قدرت، هیچ گام مؤثری را در جهت صلح برنمی‌دارد: «پاکستان از صلح و توافق صلحی حمایت می‌کند که طالبان وارد قدرت شوند و جای محمداشرف غنی را بگیرند. از نظر پاکستان گروه طالبان از جامعه‌ی پشتون نمایندگی می‌کنند، نه محمداشرف غنی.»

الهام غرچی، نویسنده و پژوهشگر در گفت‌وگو با اطلاعات روز، با اشاره به بسیج نیروهای مردمی علیه گروه طالبان، می‌گوید خیزش‌های مردمی در ولایات شمالی و مرکز

گروه‌های سیاسی دست‌اندرکار مذاکرات صلح، و نیز خطای محاسبه گروه طالبان باعث شده است که هر کدام از طرف‌ها قدرت چانه‌زنی خود را بیش از حد واقعی ارزیابی کند، یا بخواهد اهرم فشار خود را در مذاکرات بیشتر کند.»

خانم امان می‌گوید گروه طالبان چند دسته هستند و به‌دلیل نبود شفافیت کافی در ساختار این گروه، به‌طور کامل مشخص نیست چه جناحی موافق ادامه مذاکرات صلح است و چه جناحی طرفدار مذاکره نیست. اما واقعیت آشکار این است که گروه طالبان تاکنون تلاش کرده خود را گروهی نشان دهد که قادر به اداره حکومت است: «طالبان تلاش کرده است ثابت کند که از گروه‌های تروریستی خارجی در افغانستان متفاوت است. اما عملکرد این گروه نه‌تنها به ایجاد این تصویر در میان مردم کمکی نکرده است، بلکه باعث شده که ترس مردم از این گروه بیشتر شود. در مواردی ممکن است بسیاری از مردم افغانستان به‌خاطر نجات خود از آن‌چه جنایت‌های طالبان خوانده می‌شود، کشور را ترک کنند و یا مسلح شوند.»

تشدید جنگ و چشم‌انداز مبهم مذاکرات صلح

نشان می‌دهد که غلبه‌ی نظامی گروه طالبان بر تمام افغانستان ممکن نیست. اگر این بسیج‌ها درست مدیریت شوند، می‌توانند سد محکمی علیه طالبان در کشور باشند. این نوع بسیج مردمی علیه فشار نظامی طالبان که مهم‌ترین استراتژی این گروه در ماه‌های اخیر بوده است، آن را بی‌نتیجه می‌سازد: «این واکنش مردمی باعث خواهد شد تا گروه طالبان متقاعد شوند که جنگ راه‌حل نیست و بنابراین ممکن است گزینه‌ی گفت‌وگو را جدی‌تر بگیرند.» از نظر آقای غرچی، گروه طالبان تحت تأثیر روایت پیروزی قرار دارند و تمایلی به راه‌حل سیاسی ندارند. اما «بسیج و مقاومت مردمی علیه گروه طالبان دینامیک تازه‌ی را ایجاد کرده است که اگر درست مدیریت شود می‌تواند وضعیت را تغییر دهد.»

آیا امیدی به صلح با طالبان است؟

محمداکرام اندیشمند با اشاره به وضعیت فعلی که جنگ شدت گرفته، گروه طالبان حالت تهاجمی دارند و به اراضی بیشتر دست یافته‌اند، می‌گوید امیدی به صلح با

سه سناریوی محتمل برای ریاست جمهوری رئیسی

مروان بشاره، الجزیره
مترجم: جلیل یژواک

در میانه‌ی حدس‌وگمان‌های قوی مبنی بر نزدیک شدن ایران به توافق مجدد با قدرت‌های جهانی در خصوص برنامه هسته‌ای تهران، این کشور ابراهیم رئیسی را به‌عنوان رییس‌جمهور جدید خود انتخاب کرد. در صورت تجدید توافق، رییس‌جمهوری جدید فرصت خواهد داشت اقتصاد ایران را احیا کند، روابط دیپلماتیک کشورش را بهبود بخشد و نفوذ ژئوپلیتیک تهران را در خاورمیانه و فراتر از آن گسترش دهد.

حکومت‌داری، اولویت‌بندی امور است. تصمیمی که رییس‌جمهور جدید ایران اتخاذ می‌کند، در این مقطع حساس، برای ایران و منطقه به‌شدت مهم و تعیین‌کننده خواهد بود.

این‌که این سیاست‌مدار اصول‌گرای تندرو اولویت‌های خود را بر چه مبنایی انتخاب و پیامدهای بالقوه‌ی تجدید توافق هسته‌ای را چگونه مدیریت می‌کند، در شکل‌دهی آینده‌ی کشور و منطقه نقش مهمی خواهد داشت.

اهمیت آن به‌ویژه از این جهت مورد تأکید است که انتخابات ریاست‌جمهوری ایران از نظر اکثریت مردم ایران فاقد مشروعیت دموکراتیک بود. این اکثریت، پس از آنکه رژیم انتخابات را به نفع رئیسی دست‌کاری کرد، در انتخابات شرکت نکردند.

در واقع، انتظار می‌رود که رئیسی ۶۰ ساله، جانشین رهبر بیمار و سال‌خورده (اما همفکر) ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای شود که سال‌هاست بر سکان اصلی رهبری جمهوری اسلامی تکیه زده است.

سه سناریو برای ریاست‌جمهوری رئیسی در ایران محتمل است. اول، امکان دارد رئیسی سرمایه‌گذاری اقتصادی و اصلاحات را در اولویت دولت خود قرار دهد و به این ترتیب این پیام را به مردم و جهان بفرستد که دولت وی از مزایای اقتصادی حاصل از توافق هسته‌ای جدید و گشایش‌های بین‌المللی که این توافق به همراه می‌آورد، استفاده خواهد کرد تا معیشت ایرانیان را که دهه‌هاست از تحریم و انزوا رنج می‌برند، بهبود بخشد.

اما برای اطمینان از تحول اقتصادی، دولت رئیسی باید بتواند اصلاحات سیاسی را انجام دهد و اعتماد از دست‌رفته‌ی بسیاری شهروندان ایران را نسبت به رژیم اسلامی دوباره به‌دست آورد. انتخابات تقلبی امسال ایران، مشروعیت نظام را نزد مردم تضعیف کرده و تنش بین مؤلفه‌های اسلامی و دموکراتیک جمهوری اسلامی را تشدید کرده است.

همچنین، رویکرد احیای اقتصادی به معنای تغییر در سیاست خارجی ایران خواهد بود. و تغییر در سیاست خارجی به معنای توقف ماجراجویی‌های پرهزینه منطقه‌ای ایران، به نفع تجارت سالم و همکاری با همسایگان تهران خواهد بود.

اما بدون مقابله با فساد ساختاری و سوءمدیریت سیستماتیک که کشور را فراگرفته است و نیز بدون مقابله با نفوذ روحانیون و سپاه پاسداران، هیچ اصلاح اقتصادی، سیاسی و استراتژیک امکان‌پذیر نیست.

آیا رئیسی فرصت را غنیمت شمرده و مسیری متفاوت برای ایران ترسیم می‌کند؟ اگر از روی وفاداری دیرینه و عمیق وی به رژیم آخوندی ایران قضاوت کنیم، پاسخ بدون شک منفی است.

با آن‌هم من به این سناریو صرف تا ۵ درصد احتمال وقوع می‌دهم. دوم، همچنین امکان دارد که رئیسی با تکیه بر درآمد حاصل از فروش نفت به قیمت بالاتر و سرمایه‌گذاری‌های خارجی بیشتر در ایران پس از تجدید توافق هسته‌ای، وضعیت موجود را حفظ کند. او امکان دارد به تدریج براساس اصل «احترام متقابل و منافع متقابل»، که اصطلاح دیپلماتیک موردعلاقه‌ی تهران است، دستی به‌سوی همسایگان ایران و قدرت‌های اروپایی دراز کند.

ایران به‌دلیل نقش قوی و بی‌ثبات‌کننده‌اش در خاورمیانه، از نفوذ عظیمی در عراق، سوریه، لبنان و یمن برخوردار است. تهران می‌تواند با کمک به بازگرداندن امنیت، صلح و ثبات در این کشورهای رنجور، تأثیر منفی خود را پس‌زد، اقدامات گذشته را

به نقشی راهی که طرف‌های سیاسی کشیده بودند، تا حد زیادی منتفی شده است، مگر این‌که با طرحی نو و رازنی‌های جدیدی، شورای عالی دولت در آینده تشکیل شود. به گفته‌ی این منابع، اکنون شورای عالی دولت از آجندای طرف‌های سیاسی خارج شده زیرا رییس‌جمهور و برخی از جناح‌های سیاسی مطرح به این نتیجه رسیده‌اند که در صورت تشکیل این شورا در غیبت رییس‌جمهور پیشین، حلقه‌ی قدرتمند و جداگانه‌ای متشکل از حامد کرزی، گلبدین حکمتیار، کریم خلیلی، یونس قانونی، صلاح‌الدین ربانی که از بنیاد با حکومت کنونی، روند صلح و شورای عالی دولت مخالف است و برخی از درشت‌دانگان دیگر تشکیل خواهد شد.

دست‌کم دو منبع معتبر تأیید می‌کنند که حامد کرزی معتقد است اعتماد میان رییس‌جمهور غنی و رهبران/جناح‌های سیاسی به حدی شکسته و از بین رفته است که عملاً امکان کار مشترک میان سکندار ارگ ریاست‌جمهوری و جناح‌های سیاسی به صفر رسیده و حتی اگر شورای عالی دولت با تفویض صلاحیت از طریق حکم ریاست‌جمهوری نیز تشکیل شود، به‌دلیل خصوصیت‌های شخصیتی و نوع مدیریت سیاسی رییس‌جمهور غنی، اندی پس از تشکیل، به بیکارگی و فروپاشی خواهد رسید.

به‌نظر می‌رسد حامد کرزی و همراهان سیاسی سنگین‌وزن او در دقیقه‌ی نود زمانی که تشکیل‌شدن شورای عالی دولت در آستانه‌ی اعلام رسمی قرار گرفته بود، به این نتیجه رسیده بودند که عضویت در شورای عالی دولت، افتادن به دام بازی سیاسی رییس‌جمهور غنی و مشروعیت‌بخشیدن به موضع سیاسی و رویکرد او به چگونگی مدیریت روند صلح است.

آن‌ها معتقدند در صورتی که به این دام بیفتند، رییس‌جمهور غنی با عکس و حضور آن‌ها در شورای عالی دولت، تصمیم‌ها و برنامه‌های خودش را تعقیب خواهد کرد. از سوی دیگر، عضویت در این شورا، تبعات سنگین دیگری نیز برای رییس‌جمهور پیشین افغانستان داشت. همراهی او با غنی در تشکیل شورای عالی دولت، امکان اعمال نقش و تعامل سیاسی با طالبان، پاکستان و جناح‌های سیاسی در روند صلح را عقیم می‌کند.

دست‌کم دو منبع تأیید می‌کنند که شورای عالی دولت با عقب‌نشینی کرزی، از دستور کار جناح‌های سیاسی به حاشیه رفته و در صورتی که طرح و نقشه‌ی راه جدید و مذاکرات و رایزنی‌های جداگانه‌ای برای تشکیل این شورا به‌منظور «خلق اجماع سیاسی» در آجندا قرار نگیرد، یا رییس‌جمهور غنی با برگزاری لویه جرگه موافقت نکنند، تشکیل این شورا منتفی است و حتی اگر تشکیل هم شود، نمی‌توان به کارآمدی آن برای خلق اجماع سیاسی و دوام عمر آن امیدوار بود.

گزارش

براساس منافع ملی‌شان از ادامه‌ی تلاش‌های صلح با گروه طالبان حمایت خواهند کرد. چرا که آشوب احتمالی در افغانستان، ثبات و امنیت کشورهای آسیای میانه را نیز به خطر خواهد کرد: «از این رو برای من قابل تصور است که روسیه، چین، ایران، و به‌ویژه تاجیکستان در این رابطه برای تسهیل مذاکرات صلح بیش‌ازپیش فعال شوند.»

خانم امان می‌گوید اگر گروه طالبان بر ادامه‌ی جنگ تأکید کنند، بر چه بخشی از مردم افغانستان حکومت خواهند کرد؟ اگر خشونت‌های طالبان و ادامه جنگ این گروه به همین شکل فعلی ادامه یابد، جامعه جهانی در مورد توانایی طالبان در امر مشارکت در حکومت تردید جدی خواهند کرد: «در این صورت مذاکرات صلح در نیمه‌ی راه پایان می‌یابد و اگر گروه‌های مردم و اقوام مسلح شوند، دیگر طالبان باید فکر حکومتداری در افغانستان را فراموش کنند که در آن‌صورت به تروریسم انفعالی بدون حکومت تبدیل خواهند شد. زیرا در نگاه مردم جهان، یک گروه شبه نظامی تروریستی مطلقاً شایسته‌ی حکمرانی نیست.»

شورای عالی دولت، به دنبال آن بوده تا حلقه‌ی اعضا و نمایندگان وفادار به رییس‌جمهور غنی در شورا و در نتیجه تعداد رأی که در مواقع صدور فیصله در این شورا تعیین‌کننده است، اکثریت باشد.

منابع ما تأیید می‌کنند که گلبدین حکمتیار، پس از آن‌که با مخالفت دیگر طرف‌های سیاسی با نسخه‌ی مدنظر او مبنی بر کم‌تعداد بودن شورای عالی دولت مواجه شد، از جرگه‌ی تشکیل‌دهندگان شورا خارج شد.

منابع معتبر و آگاه تأیید می‌کنند که مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نکته‌ی اختلافی میان رییس‌جمهور غنی و حامد کرزی، محل مشروعیت صلاحیت‌های شورای عالی دولت بوده است. به نقل از این منابع، رییس‌جمهور غنی سرانجام با تصمیم‌گیرنده بودن شورای عالی دولت موافقت کرده و اعلام کرده بود که بخشی از صلاحیت‌هایش را به این شورا تفویض می‌کند. در سوی مقابل اما رییس‌جمهور کرزی در رأس و اکثر جناح‌های سیاسی در همراهی با او، اصرار داشته‌اند که یک لویه جرگه باید تشکیل شود تا تفویض بخشی از صلاحیت‌های رییس‌جمهور به شورای عالی دولت، به فیصله‌ی این جرگه صورت بگیرد. منابع تأیید می‌کنند که حامد کرزی معتقد است در صورتی که صلاحیت‌های شورای عالی دولت از طریق لویه جرگه مشروعیت نیابد، نمی‌تواند نسبت به دوام صلاحیت و استحکام مشروعیت این شورا اعتماد کند، زیرا اگر مشروعیت تصمیم‌گیری این شورا توسط حکم رییس‌جمهور غنی تفویض شود، با یک حکم دیگر ابطال‌پذیر نیز هست.

منابع ما تأیید می‌کنند که حامد کرزی و برخی از چهره‌های سیاسی مثل کریم خلیلی و یونس قانونی که سابقه‌ی همکاری سیاسی طولانی با همدیگر داشته‌اند، به این باورند که رییس‌جمهور غنی باوری به کار مشترک و ایجاد اجماع سیاسی به مفهوم اشتراک همه‌ی طرف‌ها در تصمیم‌گیری‌ها نداشته و در صورتی که بدون تفویض صلاحیت به این شورا توسط لویه جرگه، شورای عالی دولت تشکیل شود، دیر یا زود به فروپاشی خواهد رفت و در این صورت، شکستی بزرگ برای جبهه‌ی قانون اساسی رقم خواهد خورد.

پس از آن‌که رییس‌جمهور غنی از مخالفت‌اش با برگزاری لویه جرگه به‌منظور تفویض صلاحیت به شورای عالی دولت دست نکشید و بر پیشنهادش مبنی بر تفویض صلاحیت به شورای عالی دولت توسط یک فرمان اصرار داشت، سرانجام رییس‌جمهور کرزی از تشکیل این شورا عقب‌نشینی کرد. با عقب‌نشینی کرزی، چهره‌های سیاسی مطرح دیگری مثل کریم خلیلی، یونس قانونی، عبدالله عبدالله نیز عقب‌نشستند.

منابع ما تأیید می‌کنند که اکنون با عقب‌نشینی کرزی، شکل‌گیری شورای عالی دولت مطابق

گروه طالبان نیست: «گروه طالبان باید در جنگ متوقف شوند. وضعیت جنگ تغییر بخورد، به‌حدی که طالبان بدانند از راه نظامی نمی‌توانند قدرت را به‌صورت انحصاری تصاحب کنند.» بنابراین جنگ ادامه می‌یابد، چرا که عوامل داخلی و منطقه‌ای جنگ افغانستان همچنان وجود دارند. برای ختم جنگ و برقراری صلح در افغانستان، همسویی و اجماع منطقه‌ای و جهانی نیاز است که پاکستان باید نقش اصلی را در این اجماع داشته باشد.

الهام غرچی با ابراز نگرانی از پیامدهای بسیج مردمی، معتقد است که با در نظر داشت فقدان رهبری ملی و اجماع سیاسی در سطح دولت، این تحولات اخیر و دینامیک‌های تازه می‌تواند خطر جنگ‌های داخلی و تداوم خشونت را نیز در پی داشته باشد. بنابراین آینده‌ی گفت‌وگوهای صلح زیاد قابل پیش‌بینی و تضمین‌شده نیست: «صلح در این مقطع به مدیریت بحران، اجماع سیاسی، فشار بین‌المللی بر گروه طالبان و تعهد بازیگران منطقه‌ای به صلح و پایان خشونت بستگی دارد.»

فاطمه امان امیدوار است کشورهای منطقه

جبران کند و در این جریان حسن نیت و اعتماد منطقه را نسبت به خود به‌دست آورد.

همچنان‌که ایالات متحده در حال کاهش تعهدات خود در منطقه است، ایران حتا می‌تواند نقش ضامن امنیت منطقه‌ای را ایفا کند. همچنین عین نقش را می‌تواند برای برقراری ثبات و بهبود روابط با همسایگان خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، ایفا کند. این می‌تواند برای هر دو طرف یک بازی برد-برد باشد. البته مسلم است که دولت رئیسی موضع ایران را در قبال اسرائیل تغییر نخواهد داد. همچنین، درحالی‌که ناتو سرگرم خارج کردن نیروهایش از افغانستان است، تلاش برای ایفای نقش در کابل در کنار پاکستان و ترکیه آزمون دیگری برای اهداف و مقاصد دولت جدید ایران خواهد بود. احتمالاً عادی‌سازی روابط با ایالات متحده پس از چهار دهه خصومت رسمی دوجانبه، بیشتر از بقیه طول خواهد کشید. تحریم‌های ایالات متحده علیه رئیسی - که دو سال پیش به‌دلیل آنچه نقش وی در نقض حقوق بشر گفته می‌شود، وضع شد - نمی‌گذارد روابط دو کشور در کوتاه‌مدت بهبود یابد.

من به این سناریوی واقع‌بینانه‌تر، ۳۵ درصد احتمال وقوع می‌دهم. سوم، رییس‌جمهور جدید ایران امکان دارد تصمیم بگیرد که دیدگاه‌های تندروانه خود را تشدید کند و از درآمد حاصل از فروش نفت و سرمایه‌گذاری‌های جدید، برای تأمین بودجه‌ی دستگاه روحانیت و قدرت‌مندتر ساختن سپاه پاسداران - که وظیفه‌اش گسترش نفوذ شیعه و ایران در سراسر منطقه است - استفاده کند. در این سناریو، امکان دارد او از بی‌ثباتی همسایگان عرب برای گسترش نفوذ ایران استفاده کند؛ استراتژی‌ای که در عراق، لبنان، سوریه و یمن اجرا شد.

این رویکرد به تقویت شبه‌نظامیان فرقه‌ای و به تبع آن به افزایش عملیات‌ها و ترورهای پنهانی، تشدید فرقه‌گرایی منطقه‌ای، گسترش خشونت و بی‌ثباتی منجر خواهد شد. فقدان بازدارندگی استراتژیک همسایگان عرب برای بازداشتن تهران از دنبال کردن منافعش به قیمت ثبات همسایگان، بدون شک رهبری جدید ایران را امکان خواهد داد تا رویکرد تهاجمی‌تر اتخاذ کند.

به همین ترتیب، اتحاد کوتاه‌بینانه اخیر بین چند کشور کوچک خلیج فارس و اسرائیل می‌تواند تهران را ترغیب کند تا در برابر کسانی که نیت سوء نسبت به ایران دارند، با شدت بیشتری عمل کند.

خروج نظامی (هرچند محدود) ایالات متحده از منطقه در کنار کاهش تعهدات استراتژیک واشنگتن در قبال «متحده سنتی» کاخ سفید، می‌تواند رهبری جدید ایران را بیشتر از پیش تشویق کند تا بازی قدرت ایران را برای پرکردن خلأ به‌جامانده از آمریکا در منطقه شدت بخشد.

با توجه به سناریوهای اول و دوم، من این سناریوی نسبتاً بدبینانه را ۶۵ درصد احتمال وقوع می‌دهم.

بنابراین لازم به یادآوری است که سیاست ایران همچون سیاست‌های بقیه منطقه را کد نیست. روابط غرب و شرق نیز یک‌نواخت نیست. برای بیشتر کشورهای منطقه تحولات جدیدی در راه است و این می‌تواند خسارات سنگینی را بر ایران وارد کند. علاوه بر این، بازنگری منافع و بازسازی اتحاد‌های منطقه‌ای می‌تواند محاسبه ایران تحت رهبری رئیسی را تغییر دهد و او را به‌خاطر منافع خودش، منافع ملی و البته منافع اقتصادی ایران، مجبور به پذیرفتن سناریوی دوم کند.

همچنین، امکان دارد که رئیسی به‌طور معجزه‌آسایی سناریوی خوشایند نخست را روی دست گیرد و الگویی برای منطقه شود. آرزو برای خاورمیانه هم عیب نیست.

مروان بشاره به عنوان تحلیل‌گر سیاسی ارشد در الجزیره، به‌طور گسترده در مورد سیاست‌های جهانی می‌نویسد و به‌عنوان مرجع برجسته در مورد سیاست خارجی ایالات متحده، خاورمیانه و امور استراتژیک بین‌الملل شناخته می‌شود. مروان پیش از پیوستن به الجزیره استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه امریکایی پاریس بود.



فروریختن ساختمان ۱۲ طبقه در میامی؛ جست‌وجوی بی‌وقفه و شنیدن علائمی از زندگی

او در ادامه گفت: «پیراهنمان را بر روی صورتمان کشیدیم و به سمت محل حادثه دویدیم که یک نگهبان از ساختمان خارج شد. گفتیم چه شده؟ گفت ساختمان فروریخت.»

مرد دیگری که شاهد تخریب ساختمان بود، به شبکه سی‌ان‌ان گفت: «شبیه به حملات یازدهم سپتامبر بود.»

مرد دیگری که همسرش در ساختمان آسیب دیده به عنوان پرستار خانگی یک زن سالمند کار می‌کند، به نقل از او به یک روزنامه محلی گفت در هنگام حادثه صدای یک انفجار مهیب را شنیده است.

او این حادثه را به «یک زلزله» تشبیه کرد.

مرد دیگری که در همسایگی برج فروریخته زندگی می‌کند، به سی بی اس گفت: «ساختمان لرزید و من از پنجره به بیرون نگاه کردم. بیرون از خانه دیده نمی‌شد. فکر کردم توفان شده است.»

او ادامه داد: «گرد و غبار که خوابید، دو سوم ساختمان محو شده بود.»

به گفته چارلز باکت، شهردار سرفساید که در حومه میامی قرار دارد، حدود یک سوم از ساختمان کاملاً روی هم خوابیده است.

ران دساتس، فرماندار ایالت فلوریدا هم که از محل حادثه بازدید کرده است می‌گوید نیروهای امدادگر همچنان در وضعیت امداد و نجات هستند و تلاش برای یافتن آسیب دیدگان احتمالی ادامه دارد.

جو بایدن، رییس‌جمهوری آمریکا هم از آمادگی دولت فدرال برای کمک به فلوریدا در صورت اعلام وضع اضطراری از سوی فرماندار ایالت خبر داده است.

غرش بزرگ

یکی از شاهدان حادثه که در لحظه تخریب ساختمان با برادرانش در حال راه بردن سگ هایش در خیابان بود، به شبکه سی بی اس گفت: «ما یک غرش بزرگ شنیدیم و فکر کردم که صدای یک موتورسیکلت است. برگشتیم و متوجه ابری از گرد و غبار شدید به سمت ما می‌آمد.»

و نجات تا صبح روز جمعه ۲۵ جون از کشته شدن یک نفر خبر دادند تا کنون ده‌ها نفر از زیر آوار بیرون کشیده شدند.

تعداد مفقودان این حادثه هم که قبلاً به وسیله پولیس میامی ۵۱ نفر اعلام شده بود، به ۹۹ نفر افزایش یافته است. گزارش شده که از زیر تپه‌ای که از خروارها آهن و مصالح ساختمانی درست شده، صدای ضربه‌هایی شنیده شده است.

خانواده‌ها نگران و چشم انتظار هستند و تیم‌های جست‌وجو بی‌وقفه در حال کار هستند. هنوز علت فروریختن این ساختمان ۴۰ ساله مشخص نشده است.

نیمی از ۱۳۰ واحد این برج در اولین ساعات بامداد پنجشنبه، ۲۴ جون فروریخت و از بین رفته است.

با تاریکی هوا، صدها نفر از امدادگران با استفاده از دوربین‌های دید در تاریکی و سگ‌های تربیت شده، جست‌وجو برای بازماندگان را ادامه می‌دهند. یکی از تیم‌های امدادی از یک پارکینگ زیر زمینی در تلاش برای رسیدن به تعدادی از قربانیان بود.



اطلاعات روز: در پی فروریختن بخشی از یک ساختمان مسکونی ۱۲ طبقه در ساحل میامی، عملیات جست‌وجو و نجات برای مفقودان همچنان ادامه دارد. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، مسئولان تیم‌های امداد

پاسخ ایران به کانادا:

نگران رفتن پرونده سرنگونی هواپیما به دادگاه بین‌المللی نیستیم



بررسی وقایعی که در هجدهم ماه جدی ماه رخ داده است به جمع‌بندی نهایی برسد.»

انجمن خانواده‌های جان‌باختگان پرواز پی‌اس ۷۵۲ همچنین از دولت کانادا خواسته است «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان سازمانی تروریستی بشناسد» و «تحریم‌های هدفمند ماگنتسکی [قانون مگنیتسکی] را بر عوامل این جنایت به اجرا درآورد» و علاوه بر بحث ارجاع پرونده به دادگاه بین‌المللی، «پرونده این پرواز را در دادگاه جنایی داخلی پیگیری کند.»

عبارت «تحریم‌های هدفمند ماگنتسکی» اشاره به قانونی دارد که سال ۹۲ توسط دولت آمریکا تصویب و به یاد سرنگی ماگنیتسکی وکیل ضدفساد روس نامگذاری شده و ناقضان حقوق بشر را هدف تحریم قرار می‌دهد.

و عاملین آن مجازات نشوند، هیچ کس غرامتی را از جمهوری اسلامی نخواهد پذیرفت.»

دولت ایران پیش از این گفته است که در این پرونده برای «۱۰ نفر از مسئولانی» که در سرنگونی هواپیما مسافربری اوکراینی «دخیل» بودند، کیفرخواست صادر شده ولی انجمن خانواده‌های جان‌باختگان پرواز اوکراین این افراد بی‌نام و نشان هستند و «برای آمرین و عاملین اصلی این جنایت که افراد رده بالای حکومت هستند، قرار منع تعقیب صادر شده است.»

این انجمن در بیانیه جدید خود با تاکید بر این که ارجاع پرونده به دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند دلگرم‌کننده باشد، تصمیم دولت کانادا در انجام تحقیقات و بررسی را قدمی مهم اما ناکافی دانسته که «نمی‌تواند در

استرالیا، کانادا و بریتانیا، نهایتاً تحت فشار بین‌المللی پذیرفت که هواپیما توسط موشک‌های سامانه دفاعی سپاه ساقط شده، اما مدعی شد این حادثه به خاطر «خطای انسانی» اتفاق افتاده است.

بر اساس گزارش دولت کانادا، هنوز شواهدی مبنی بر این‌که هدف قرار دادن این هواپیما عمدی و «برنامه‌ریزی شده» بوده یافت نشده، اما «این امر به هیچ وجه مسئولیت مرگ ۱۷۶ انسان بی‌گناه را از ایران سلب نمی‌کند» و «بار مسئولیت ارائه پاسخ نهایی در مورد همه جنبه‌های این فاجعه بر عهده ایران است.»

نخست‌وزیر کانادا نیز تاکید کرده است که «نمی‌توان به راحتی سرنگونی هواپیما را به گردن چند پرسنل جزء انداخت» و نباید اجازه داد مسئولان حکومت ایران که تصمیمات آنها «منجر به این فاجعه شد» بتوانند خودشان را پشت سر این چند پرسنل پنهان کنند.

اشاره او به گزارش نهایی سازمان هواپیمایی کشوری در مورد این حادثه است که در آن مستقیماً از سپاه پاسداران اسمی نیامده و مقصر این رویداد، تنها «کاربر سامانه دفاع هوایی» اعلام شده، ولی نام یا جزئیاتی مربوط به این «کاربر» در گزارش نیامده است.

انجمن خانواده‌های جان‌باختگان پرواز پی‌اس ۷۵۲ نیز روز پنج‌شنبه، سوم سرطان با انتشار بیانیه‌ای از گزارش تیم تحقیقات دولت کانادا استقبال کرده و این گزارش را نشانگر «جنایات، مخفی‌کاری و دروغ‌های جمهوری اسلامی» دانست.

این انجمن که برای «دادخواهی این جنایت» فعالیت می‌کند، بارها تاکید کرده است تا زمانی که «آمرین

اطلاعات روز: محسن بهاروند، معاون حقوقی وزارت امور خارجه ایران، انتقادات دولت کانادا در پرونده سرنگونی هواپیما اوکراینی را از «حیث فنی، بی‌مبنا» و «غیرقابل قبول» خوانده و گفت که تهدید نخست‌وزیر کانادا درباره ارجاع این پرونده به دیوان بین‌المللی دادگستری «ناپخته و بی‌مبنا» است و بابت آن «هیچ نگرانی» وجود ندارد.

به گزارش رادیو فردا، او همچنین سیاستمداران کانادایی را متهم کرد که رفتاری «شدیدا سیاست‌زده و غیرحقوقی» دارند و می‌خواهند از این پرونده «برای خود موقعیتی در افکار عمومی ایجاد کنند.»

تیم پزشکی قانونی کانادا روز چهارشنبه، دوم سرطان، پس از هشت ماه تحقیق، گزارش خود در مورد پرواز پی‌اس ۷۵۲ را منتشر کرد و تاکید کرد که ایران در ارائه «توضیح معتبر درباره چگونگی و دلیل» ساقط کردن این هواپیما مسافربری «کوتاهی کرده است.»

به گزارش شبکه سی‌بی‌سی نیوز کانادا، جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا با اشاره به این گزارش گفته است که روایت رسمی جمهوری اسلامی از این رویداد «ناسازگار، همراه‌کننده و سطحی است و عمداً عوامل اصلی را نادیده می‌گیرد» و اگر نتیجه مذاکرات با ایران قابل قبول نباشد، کانادا به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه می‌کند.

هواپیمای اوکراینی با شماره پرواز پی‌اس ۷۵۲، ۱۸ ماه جدی ۱۳۹۸ با شلیک دست‌کم دو موشک پدافند سپاه پاسداران سرنگون شد و تمام ۱۷۶ سرنشین آن جان باختند.

جمهوری اسلامی تا سه روز ساقط کردن این پرواز را انکار کرد، اما بعد از انتشار شواهد و اسنادی توسط آمریکا،

دفاعستان اسلامی جمهوری دولت
دعای روغتیا وزارت
دمعالجی طب عمومی ریاست
دخصصی او نالشی روغتون ریاست
دراجه بلخی روغتون ریاست
داداری مدیریت
دندار کاتو مدیریت

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت صحت عامه
ریاست عمومی طب معالجوی
ریاست شفاخانه‌ی تخصصی و نالشی
ریاست شفاخانه رابعه بلخی
مدیریت عمومی اداری
مدیریت تدارکات

«تصحیح اعلان داوطلبی»

تهیه و تدارک ۲۱ قلم تیل و روغنات

ریفرنس نمبر (MOPH RBH/1400/NCB/G009)

{ریاست شفاخانه رابعه بلخی} از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پرونده داوطلبی (تهیه و تدارک ۲۱ قلم تیل و روغنات) تحت ریفرنس فوق اشتراک نموده و نقل سافت شرطنامه مربوطه را طوراً یگان در فلش از مدیریت تدارکات این اداره بدست آورده. آفرهای خویش را مطابق شرطنامه طور سربسته، از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر تاریخ ۲۲ سرطان ۱۴۰۰ به این اداره تسلیم نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیباشد.

تضمین آفر (تضمین بانکی به مبلغ ۱۳۶۰۰۰ افغانی) بوده و جلسه آفرگشایی به وقت ذکر شده فوق در اتاق کنفرانس بلاک بی ریاست شفاخانه تدویر میگردد.

نوت: تتر اعلان مذکور بنابه اشتباه تایپی به تاریخ اول سرطان بنام اطلاعیه برندگی چاپ و نشر شده که در اصل اعلان داوطلبی است و این تصحیح آن می باشد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۶۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷

آدرس: کابل، کارته‌سه



نفرت پراکنی آزادی بیان نیست؛ به بیان‌های نفرت‌انگیز پایان دهید (۲)

بررسی یافته‌های یک پژوهش

حقوق بین‌الملل فاقد تعریف روشن است ابراز نگرانی کرده است. عنصر سوم، حمایت از اعمال منع شده است. در کنار قصد و تحریک، عنصر سوم آن است که در نتیجه‌ی آن از برخی اعمال منع شده حمایت صورت گیرد و تحریک نسبت اعمالی انجام شده باشد که ممنوع هستند. در مجموع می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که در مورد قلمرو حق‌ها و برقراری توازن میان آن‌ها در نحوه‌ی عبارت‌پردازی رژیم‌های مختلف حقوق بین‌المللی در مورد نفرت‌پراکنی تفاوت‌های مهمی وجود دارد و این تفاوت‌ها برای دادگاه‌ها و دیگر نهادهای که وظیفه تفسیر استانداردهای حقوق بشری را بر عهده دارند در مورد این‌که نفرت‌پراکنی دقیقاً چیست، ابهام‌ها و چالش‌هایی خلق کرده است. به‌خصوص در مورد واژه تحریک که مفهوم محوری در تعریف نفرت‌پراکنی است. با وجود این، برخی نتیجه‌گیری‌های کلی امکان دارد و می‌توان گفت اظهاراتی که بدون قصد تحریک دیگران به نفرت انجام شده باشد، نباید تحت عنوان نفرت‌پراکنی در نظام حقوقی ممنوع شود. برای این‌که تحریک محقق شد باید رابطه نزدیک میان اظهارات مرتبط و احتمال خطر آسیب به‌صورت سببیت یا پیامد محتمل وجود داشته باشد. اعمال خاص و غیرقانونی چون تبعیض و خشونت تنها آسیب‌های به رسمیت شناخته شده نیستند. برای تحقق نفرت‌پراکنی کافی است که اظهارات انجام شده دیگران را به انجام نفرت تحریک کند حتی اگر منجر به اقدام عملی نشود.

حقوق بین‌الملل فاقد تعریف روشن است ابراز نگرانی کرده است. عنصر سوم، حمایت از اعمال منع شده است. در کنار قصد و تحریک، عنصر سوم آن است که در نتیجه‌ی آن از برخی اعمال منع شده حمایت صورت گیرد و تحریک نسبت اعمالی انجام شده باشد که ممنوع هستند. در مجموع می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که در مورد قلمرو حق‌ها و برقراری توازن میان آن‌ها در نحوه‌ی عبارت‌پردازی رژیم‌های مختلف حقوق بین‌المللی در مورد نفرت‌پراکنی تفاوت‌های مهمی وجود دارد و این تفاوت‌ها برای دادگاه‌ها و دیگر نهادهای که وظیفه تفسیر استانداردهای حقوق بشری را بر عهده دارند در مورد این‌که نفرت‌پراکنی دقیقاً چیست، ابهام‌ها و چالش‌هایی خلق کرده است. به‌خصوص در مورد واژه تحریک که مفهوم محوری در تعریف نفرت‌پراکنی است. با وجود این، برخی نتیجه‌گیری‌های کلی امکان دارد و می‌توان گفت اظهاراتی که بدون قصد تحریک دیگران به نفرت انجام شده باشد، نباید تحت عنوان نفرت‌پراکنی در نظام حقوقی ممنوع شود. برای این‌که تحریک محقق شد باید رابطه نزدیک میان اظهارات مرتبط و احتمال خطر آسیب به‌صورت سببیت یا پیامد محتمل وجود داشته باشد. اعمال خاص و غیرقانونی چون تبعیض و خشونت تنها آسیب‌های به رسمیت شناخته شده نیستند. برای تحقق نفرت‌پراکنی کافی است که اظهارات انجام شده دیگران را به انجام نفرت تحریک کند حتی اگر منجر به اقدام عملی نشود.

پیامدهای نفرت پراکنی

در این بخش، نویسندگان گزارش پیامدهای نفرت‌پراکنی را مورد بررسی قرار داده‌اند. به باور آنان نفرت‌پراکنی به قربانیان آسیب‌های متنوع روحی و جسمی وارد می‌کند. قربانیان نفرت‌پراکنی زمانی متوجه می‌شوند که توسط دیگر اعضای جامعه به حاشیه رانده شده و سرکوب می‌شوند از نظر روانی تحت فشار قرار می‌گیرند. وقتی نفرت‌پراکنی موجب نفرت و خشونت نسبت به گروه خاصی شود، ممکن است منجر به آسیب‌های جسمی علیه یک شخص شود. با توجه به این پیامدها، سازمان ملل متحد اقداماتی را روی دست گرفته که از جمله می‌توان به طرح و راه‌اندازی استراتژی و پلان عمل برای مقابله با نفرت‌پراکنی اشاره کرد که در ماه جون ۲۰۲۰ آغاز شد.

نمود که در نتیجه‌ی آن فاجعه و نسل‌کشی انسانی اتفاق افتاد. نابرابری اجتماعی در این بخش نویسندگان گزارش تأکید می‌کنند که شرایط افغانستان یکی از نمونه‌های بارز نقض اجتماعی با استفاده از نفرت‌پراکنی است. در جامعه افغانستان معمولاً زنان کمتر از مردان پنداشته می‌شوند. نمونه‌های زیادی از نفرت‌پراکنی علیه زنان وجود دارد که به استمرار فرهنگ مسلط خشونت علیه زنان کمک می‌کند. یکی از این نمونه‌ها به چگونگی استفاده از نفرت‌پراکنی علیه زنان کاندید انتخابات به‌ویژه به‌عنوان روشی برای ترساندن و دلسرد کردن آن از حضور به‌عنوان رهبر در روندهای دموکراتیک است. یک ارزیابی که در سال ۲۰۱۹ توسط بنیاد بین‌المللی نظام‌ها و شبکه‌ی زنان افغانستان در مورد خشونت سیاسی علیه زنان انجام شد، نشان می‌دهد که نامزدهای زن گزارش دادند که عکس‌های خصوصی آنان که در آن حجاب بر سر نداشته‌اند به‌دست مخالفان سیاسی افتاده و توسط آنان در فضای مجازی منتشر شده است.

اخلاق رسانه‌ای و نفرت پراکنی

علاوه بر چارچوب‌های قانونی در سطح ملی و بین‌المللی، اصول اخلاقی نیز می‌تواند به‌ویژه

در پیشگیری از انتشار غیرعمدی نفرت و خشونت یک استراتژی کارآمد باشد. اهمیت اخلاق اغلب برای روزنامه‌نگاران با توجه به نقش مهمی که آنان در انتشار اطلاعات و ایده‌ها به مردم دارند، برجسته می‌شوند. جنگ‌های بالکان در دهه ۱۹۹۰، نسل‌کشی رواندا در سال ۱۹۹۴ و نسل‌کشی میانمار در سال ۲۰۱۷ تأثیرات مهم رسانه‌ها بر افکار عمومی را نشان می‌دهد.

به دنبال فروپاشی رژیم طالبان رسانه‌ها به‌طور چشم‌گیری در افغانستان رشد کردند. به لطف دموکراسی نوپا و یک فضای نسبتاً امن برای رسانه‌ها، حق آزادی بیان و ابزار دسترسی به رسانه‌ها از جمله رسانه‌های اجتماعی بسیار بهبود یافته است. اگرچه گسترش رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های اجتماعی به تحقق آزادی بیان کمک کرده است اما زمینه‌های مناسبی برای تولید و انتشار نفرت‌پراکنی نیز ایجاد شده است. به همین دلیل فضایی مانند افغانستان در کنار قواعد بین‌المللی و قوانین ملی، آموزش اخلاق رسانه‌ای به یک ضرورت تبدیل شده است. این امر به‌ویژه در مورد روزنامه‌نگاران شاغل در رسانه‌ها که بی‌تجربه و مستعد ابتلا به کینه‌توزی‌های قومی و زبانی هستند و احتمال تأثیر این خصوصیات بر گزارش‌های‌شان زیاد است، اهمیت بیشتر دارد.

ادامه دارد...

حسین‌علی کریمی

عناصر تشکیل‌دهنده نفرت پراکنی

برای این‌که عملی نفرت‌پراکنی تلقی شده و ممنوع شود به باور نویسندگان گزارش باید دارای سه مؤلفه باشد: عنصر اول قصد است. بند دوم ماده بیستم میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند پنجم ماده‌ی سیزدهم منشور آفریقایی حقوق بشر برای تحقق نفرت‌پراکنی عنصر حمایت و طرفداری را لازم می‌دانند. درحالی‌که در بند الف ماده‌ی چهارم کنوانسیون رفع تبعیض نژادی چنین چیزی شرط نشده است. عنصر حمایت می‌تواند به‌عنوان شرط قصد قلمداد شود و بنابراین فقط اظهاراتی که به قصد تحریک نفرت انجام می‌شود، تحت عنوان نفرت‌پراکنی قرار می‌گیرد. اهمیت نقش قصد در جرایم نفرت‌پراکنی به خوبی در یک قضیه از کشور دنمارک تشریح شده است. در این قضیه روزنامه‌نگاری به‌نام جرسیلد به‌دلیل برنامه‌ی تلویزیونی که مشتمل بر بیانات نفرت‌پراکنی از سوی افراطی‌های نژادپرست بود در دادگاه این کشور محکوم شد. هرچند هدف از این برنامه نه حمایت و دفاع از نژادپرستی بلکه آشکارسازی و تحلیل وضعیت نژادپرستی در دنمارک بود. دادگاه اروپایی حقوق بشر در یک تصمیم که با اکثریت قاطع اما نه به‌صورت اجماعی گرفته شده بود، رأی داد که این محکومیت حق آن روزنامه‌نگار است که آزادی بیان را نقض کرده است. دادگاه در رأی خود این واقعیت را مورد توجه قرار داده که این بیانات حاوی نفرت‌پراکنی در سیاق یک برنامه‌ی جدی برای شرکت‌کنندگان مطلع و در رابطه با مسائل اجتماعی و سیاسی صورت گرفته است.

عنصر دوم، تحریک است. ماده‌ی هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند دوم ماده بیستم حقوق مدنی و سیاسی و بند پنجم ماده‌ی سیزدهم منشور آفریقایی حقوق بشر، صرفاً در مواردی قابلیت اعمال دارد که تحریک وجود داشته باشد. در بند الف از ماده‌ی چهارم کنوانسیون رفع تبعیض نژادی دو مورد از مجموع چهار مورد تحریک را لازم می‌داند. اما دو مورد دیگر صرف نشر دیدگاه‌های مشخص یعنی دیدگاه‌های مبتنی بر برتری یا نفرت نژادی را ممنوع می‌کند. به باور نویسندگان گزارش این‌که چه چیزی تشکیل‌دهنده تحریک است، موضوعی پیچیده و اختلافی است. کمیساری عالی حقوق سازمان ملل متحد نسبت به این واقعیت که این اصطلاح در

 <p>د کهرنی، اوبو لگولو او مالداري وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري</p>	<p>معینیت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیرمشورتي</p>	<p>د افغانستان اسلامي جمهوري دولت دولت جمهوري اسلامي افغانستان</p>
<h3>«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»</h3>		
<p>ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروژه (تدارک ۱۵۰,۰۰۰ دوز واکسین طبق (FMD) جهت کمپاین واکسناسیون) مورد ضرورت ریاست صحت حیوانی تحت داوطلبی شماره (MAIL/PD/NCB/G-106/1400) اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه الی ساعت (۱۰:۰۰) قبل از ظهر روز (چهارشنبه) مورخ (۲۶ / سرطان / ۱۴۰۰) ارایه نمایند. آفرهای نا وقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر مبلغ (۳۰۰,۰۰۰) افغانی طبق شرطنامه، و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد. آدرس مکان جلسه: دفتر جلسات آفرگشایی، منزل دوم تعمیر حفظ و مراقبت عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از وب سایت NPA.GOV.AF داوطلبان نمایند، در صورت عدم دانلود از وب سایت، داوطلبان می‌توانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک از آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتي ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی و اداری، منزل اول به شکل رایگان بدست آورند.</p>		

<h3>هر روز روزنامه اطلاعات روز را پست در منزلتان دریافت کنید</h3>			
<p>Subscribe to Daily Etilaat Roz</p>		<p>برای ادارات دولتی و شرکت‌ها</p>	
<p>6 Months</p>	<p>120\$ USD</p>	<p>۴۰۰۰ افغانی</p>	<p>شش ماهه</p>
<p>Annual</p>	<p>200\$ USD</p>	<p>۷۰۰۰ افغانی</p>	<p>یک ساله</p>
<p>قیمت: ۲۰ افغانی</p>			
<p>یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.</p>			

استراتژی‌های شکستن بن بست در مذاکرات صلح؛ ابزارهای سیاسی (۱)

می‌دهد، این ابزارها در خدمت یک استراتژی جامع مبتنی بر تشخیص این که جنگ بدون اصلاحات اساسی به پایان نمی‌رسد، به کار گرفته شدند.

در بخش‌های بعدی در مورد یک استراتژی صلح‌سازی مؤثر که باید انواع زیادی از نفوذ بالقوه‌ی بازیگران خارجی، به شمول دشمنان، متحدان و طرف‌های درگیر، و یا کسانی که علاقمند درگیر شدن نیستند اما به‌طور بالقوه می‌توانند سهم مثبت داشته باشند، بحث خواهد شد. عدم استفاده از این پتانسیل از طریق مشروطیت‌سازی دقیق و ترتیب‌یافته، می‌تواند منجر به از دست رفتن فرصت‌ها شود، همان‌طور که در قبرس، جایی که روند پیوستن به اتحادیه اروپا منوط به اتحاد مجدد نبود، اتفاق افتاد. رأی‌دهندگان یونانی تبار قبرس برای رأی‌دادن به «تپیوستن به اتحادیه اروپا» در همه‌پرسی برنامه اتحاد اپریل ۲۰۰۴ هیچ‌گونه انگیزه‌ای نداشتند زیرا بدون در نظر گرفتن نتیجه، بلافاصله به اتحادیه اروپا می‌پیوستند.

در نهایت، یک روند می‌تواند در جهت ایجاد آن‌چه «انگیزه‌های ذاتی» تلقی می‌شود کار کند؛ راه‌حل پیش‌بینی‌شده در محتوای توافق بر ادامه‌ی درگیری ارجحیت دارد تا طرفین برای حل اختلافات انگیزه داشته باشند. این انگیزه را می‌توان با انگیزه‌های خارجی مانند وعده پایان انزوای دیپلماتیک، پیشنهادات کمک‌های اضافی یا کمک به توسعه و تضمین‌های امنیتی برای کاهش خطرات ذاتی در پایان‌دادن به یک کارزار نظامی افزایش داد. همان‌طور که در مقاله‌ی «قطع‌نامه تأثیرگذار» آمده است، نفوذ مؤثر در یک استراتژی کلی صلح باید بر اساس ارزیابی چالش‌های ذاتی بیشتر انتقال‌های جنگ به صلح باشد. در اصل نیاز به کمک به طرفین است که از تعهد به استراتژی درگیری فعلی خود برنگردند و شروع به پذیرش یک راه‌حل یک‌پارچه‌ی بالقوه برای مسائل مورد اختلاف کنند. با رسیدن طرفین به مراحل مختلف تعامل، استراتژی‌ها باید تغییر کنند. هدف استفاده از این استراتژی‌ها باید کمک به روند حرکت باشد و شرایطی را فراهم کند که طرفین را تشویق می‌کند تا روی میز بنشینند، در میز بمانند، به توافق برسند و این توافق‌نامه‌ها را اجرا کنند.

این توافق‌نامه‌ها را اجرا کنند. طوری که از مطالعه‌ی پرونده‌های بوگنویل، آفریقای جنوبی و ایرلند شمالی نتیجه‌گیری شده است، بعید به نظر می‌رسد که زورگویی یا انگیزه بیرونی یک تسریع‌کننده برای تغییر طرفین به حالت حل مسأله سازنده باشد که بیشترین موفقیت را در روند صلح دارد. باین‌حال آن‌ها می‌توانند به کج شدن تعادل به سمت تعامل سازنده به‌عنوان مؤلفه‌ای از یک استراتژی کلی کمک کنند. به‌عنوان مثال، یان الیاسون، فرستاده ویژه سازمان ملل در سودان، به سودمندی تحریم‌های تهدیدآمیز اشاره می‌کند در حالی که میانجی‌گری یک روند سیاسی را به عهده دارد.

ادامه دارد...



مسئول نه به تنگ مجسمه هنری تفنگ گرومخونده در بیرون از دفتر سازمان ملل متحد کاری از Fredrik Reuterswärd. اعتبار عکس از REX FEATURES

با رسیدن طرفین به مراحل مختلف تعامل، استراتژی‌ها باید تغییر کنند. هدف استفاده از این استراتژی‌ها باید کمک به روند حرکت باشد و شرایطی را فراهم کند که طرفین را تشویق می‌کند تا روی میز بنشینند، در میز بمانند، به توافق برسند و این توافق‌نامه‌ها را اجرا کنند.

صلح‌بانان، در غیاب یک استراتژی مشخص و سازگار برای صلح، به‌معنای استفاده از تحریم‌ها، مشوق‌ها، شرط‌ها و ضمانت‌ها همه به‌صورت بی‌دریغ اما غیرمؤثر بوده و باعث ایجاد انتظاراتی در دولت سودان و گروه‌های مسلح شد که رسیدن و اجرای توافق را با چالش مواجه کرد. وی نتیجه‌گیری می‌کند که برای رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، زمینه‌ی سیاسی استفاده از این ابزارها و اهدافی که در آن به کار گرفته می‌شوند، بسیار مهم است.

اولویت‌دادن به صلح

نتیجه‌ی کلیدی مطالعه‌ی استفاده از ابزارهای سیاسی نشان می‌دهد که به تدوین و اولویت‌دادن به یک استراتژی منسجم و در عین حال انعطاف‌پذیر و پاسخ‌گو برای صلح‌سازی نیاز است. چنین استراتژی باید از توانایی نفوذ منابع خارجی برای تسهیل تعامل بین طرفین و حرکت به سمت مصالحه پایدار استفاده کند. به‌عنوان مثال، در السالوادور انگیزه‌های حمایت خارجی از تمایل احزاب برای مذاکره از طریق مشوق‌های اقتصادی و پایان انزوای دیپلماتیک و همچنین ضمانت‌های سیاسی و امنیتی حمایت می‌کرد. باین‌حال، همان‌طور که آوارو دو سوتو، واسطه‌ی سازمان ملل توضیح

علیه دولت‌ها است. در برخی موارد، همچنین ممکن است اختلاف نظرهای عمیقی بین دولت‌های کلیدی در رویکردهای آنان به یک وضعیت خاص درگیری وجود داشته باشند، که پس از آن در یک رقابت گسترده‌تر بین قدرت‌های خارجی قرار می‌گیرند. همه‌ی این اهداف و برنامه‌های رقابتی اغلب فضای روند صلح را آلوده می‌کنند و سیگنال‌های مختلفی را به طرف‌های درگیر ارسال می‌کنند.

تعداد کمی از تحریم‌های چندجانبه و سایر اقدامات قهریه به هدف صریح ترغیب طرف‌های درگیری برای سود بردن آن‌ها از دستیابی به توافق‌نامه، صورت گرفته است. در عوض بیشتر آن‌ها با هدف مهار تهدیدهای امنیتی و اجرای قوانین بین‌المللی انجام می‌شوند که این مورد فرایندهای صلح را با یک معضل مواجه می‌کند. بسیاری از مطالعات موردی نشان می‌دهند که چگونه اولویت‌ها و رویکردهای رقابتی حل تعارض را دشوارتر کرده‌اند. همچنین، معضلات بالقوه‌ی پرورش مکمل‌های استراتژیک بین اهداف مطلوب، مانند ترویج صلح و عدالت، را آشکار می‌کند. سیاست‌های مقابله با تروریسم و منع قانونی این فرصت‌ها را برای درگیری با برخی از طرف‌های مهم جنگ‌طلب، محدود می‌کند. به‌عنوان مثال این مورد در مطالعات اسرائیل-فلسطین و سریلانکا مشاهده می‌شود.

همین‌طور در مذاکرات صلح در اوگاندا دیده می‌شود که چگونه اجرای قوانین بین‌المللی بشردوستانه از طریق دادگاه کیفری بین‌المللی بدون به‌خطرانداختن تلاش برای صلح، لازم بوده است.

از قضا، طوری که الکس دو وال در مطالعه‌ی موردی دارفور استدلال می‌کند، حتی تمرکز بر کاهش تأثیرات بشردوستانه‌ی درگیری‌ها ظاهراً از تمرکز استراتژیک در حل‌وفصل منازعات کاسته است. دو وال معتقد است که اولویت اصلی تعامل بین‌المللی اعزام نیروهای سازمان ملل با مأموریت محافظت از غیرنظامیان است، که هدف اصلی آن صلح است. این تمرکز بر

موردی نشان می‌دهند که چگونه این ابزارهای سیاسی در تشدید تنش‌ها و دامن‌زدن به پویایی درگیری‌ها غیرمفید بوده یا حتی صدمه وارد کرده‌اند.

برای نتیجه‌گیری در مورد چگونگی افزایش اثربخشی بازیگران خارجی در حمایت از صلح و مطالعه کشورهای مختلف، می‌توان چهار نتیجه‌ی مهم گرفت: (۱) بازیگران خارجی باید حمایت از صلح پایدار را به‌عنوان هدف اصلی خود در موقعیت درگیری اولویت‌بندی کنند و استراتژی خود را برای کمک به آن تنظیم کنند - تشخیص این که این امر به نوبه خود می‌تواند شرایط را برای دستیابی به سایر اهداف سیاست خارجی ایجاد کند، مهم است. (۲) تنبیه‌ها، مشوق‌ها و مشروطیت‌ها هنگامی که به ساختارهای انگیزشی طرف‌های جنگ پاسخ دهند و از پویایی امکانات برای حل جنگ پشتیبانی کنند، خیلی مؤثر خواهند بود. (۳) این ابزارها باید به طریقه‌هایی طراحی و اجرا شوند که به ایجاد حرکت در فرایند حل‌وفصل کمک کنند. (۴) این ابزارها، به‌طور معمول به درجه‌ای از انسجام استراتژیک و مکانیسم‌های هماهنگی در میان بازیگران خارجی نیاز دارد.

کارشویه‌های متعدد، الگوهای متناقض

مشوق‌ها، تحریم‌ها و مشروطیت‌ها به‌عنوان ابزار سیاسی برای دستیابی به اهداف مختلف استفاده می‌شوند. بازیگران خارجی، به‌ویژه دولت‌ها، پاسخ‌های خود در برابر هرگونه وضعیت متعارض خاص را در متن گسترده‌تر منافع و ارزش‌های خویش تعیین می‌کنند. پاسخ‌ها ممکن است به منافع استراتژیک، نگرانی‌های امنیتی و ضدتروریستی، انگیزه‌های مختلف سیاسی داخلی یا رعایت موازین بین‌المللی - به‌ویژه حمایت بشردوستانه، حقوق بشر یا قوانین بین‌المللی - باشند. تمایل به جلوگیری از ایجاد سوءظن‌هایی که منافع استراتژیک را تهدید می‌کنند، به‌معنای آرزوی شکست شورشیان مسلح یا کمتر مداخله قهریه

فاطمه فرامرز

باگذشت بیشتر از ۹ ماه از آغاز گفت‌وگوهای رسمی صلح میان دولت افغانستان و گروه طالبان، دو طرف هنوز نتوانسته‌اند به پیشرفتی بیشتر از توافق بر سر کارشویه‌ی مذاکرات دست یابند. در حال حاضر که کشور در آستانه‌ی خروج نیروهای نظامی ناتو و ایالات متحده قرار دارد، صرفاً نهایی‌شدن کارشویه‌ی مذاکرات یک شکست بزرگ در روند صلح محسوب می‌شود. عده‌ای باور دارند که آن‌چه در دوحه جریان دارد، بیشتر از آن‌که مذاکره برای صلح باشد، وقت‌گذرانی جهت فرصت‌گرفتن برای پیروزی از راه نظامی است و اگر قرار است بن‌بست حاضر در دوحه بشکند، باید راهی برای پایان‌دادن به جنگ جاری جست‌وجو شود. آرون گریفیتس، سلیا مک کئون و کاترین بارنز که ویراستارهای مجموعه مقالاتی تحت عنوان «قدرت اقتناع؛ مشوق‌ها، تنبیه‌ها و مشروطیت در صلح‌سازی»‌اند، استفاده از ابزار سیاسی به‌عنوان مقدمات پایان‌دادن به جنگ جهت آغاز برنامه‌های صلح‌سازی را به شرح زیر بحث می‌کنند:

مقدمه

در پاسخ به این مسأله‌ی آزردهنده که بهترین راه‌حل برای درگیری مسلحانه چه چیزی است، سیاست‌گذاران بین‌المللی اغلب به استفاده از تحریم‌ها، مشوق‌ها و مشروطیت‌ها اتکا می‌کنند. آن‌ها امیدوارند که این ابزارهای سیاست بتوانند حساب استراتژیک طرفین یک جنگ را به گونه‌ای تغییر دهند که منجر به تغییر رفتار طرف‌های جنگ و پویایی در بهبود درگیری شوند و این ابزارها بتوانند بر روی تعامل طرف‌های درگیری در ابتکارات صلح تأثیر بگذارند.

این پرسش در چارچوب بحث‌های حساس و متغیر درباره‌ی اخلاق و مناسب‌بودن مداخلات خارجی در پاسخ به درگیری‌های درون‌کشوری، قرار می‌گیرد. این بخش به موضوعات گسترده‌تری از جست‌وجوی بازیگران خارجی برای نفوذ مؤثر برطرف‌های درگیری در یک محیط پیچیده از منافع چندگانه و اغلب متضاد، می‌پردازد. طیف بازیگران شامل چندین کشور، سازمان‌های بین‌دولتی و منطقه‌ای و بازیگران غیردولتی مانند شبکه‌های جامعه مدنی و مشاغل - هر یک دارای نقش‌های متمایز برای بازی و روابط با نفوذ با طرف‌های اصلی هستند. جای تعجب نیست که تأثیر منسجم در یک استراتژی مشترک می‌تواند بسیار چالش‌برانگیز باشد. برعلاوه، حمایت از حل منازعات، به‌ندرت هدف اصلی همه‌ی افراد درگیر در جنگ است. به‌نظر می‌رسد که این ابزارهای سیاسی می‌توانند با افزایش هزینه‌های جنگ و پاداش‌های صلح، تعادل در حل‌وفصل جنگ را برقرار کنند. به همین ترتیب، این ابزارها توانایی تحریک طرفین برای شرکت در مذاکرات و تشویق آن‌ها برای دستیابی و اجرای توافق‌نامه‌های صلح را دارند. باین‌حال، بسیاری از مطالعات



فروشگاه F45

افتتاح شد!

سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info

